نشر الگو

۲۰ تمام

تمرین امتحان

فارسی یازدهم

افشین محی‌الدین

- درس‌نامهٔ کامل
- سؤالات تألیفی
- سؤالات امتحانی
- آزمون نیم‌سال و پایان‌سال
- پاسخ‌های تشریحی

پیش‌گفتار

«تقدیم به همسرم میترا، به پاس
همراهی همیشگی و محبت بی‌دریغش»

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

حتماً خودت به خوبی از اهمیت امتحان نهایی و سهم درس ادبیات در آن و تأثیر نمره‌اش در سرنوشتت، خبر داری، وگرنه این کتاب را نمی‌خریدی! تازه داری مقدمهٔ کتاب را هم می‌خوانی! (خواندن مقدمه، یک کار فراموش‌شده است و قطعاً کسی که مقدمه را تا آخر می‌خواند جزو مخاطبان درجه‌یک کتاب است، به خودت افتخار کن ☺)، پس دیگر نیازی نیست من بگویم که چقدر مهم است که این درس را از اول سال با برنامهٔ منظم بخوانی و برای آن وقت بگذاری. پس به‌جای آن می‌خواهم در مورد کتاب و ساختارش صحبت کنم و این‌که درس فارسی را چطور باید بخوانی تا نمرهٔ عالی بگیری.

قبل از هر چیز باید بگویم که مهم‌ترین کار برای موفقیت در درس ادبیات حضور فعال در کلاس درس است، نه این کتاب نه هیچ کتاب دیگری نمی‌تواند جای معلم مدرسه را بگیرد، پس فرض می‌کنیم با تمام حواس در کلاس شرکت کرده‌ای و کتاب درسی را با دقت خوانده‌ای و حالا می‌خواهی از این کتاب استفاده کنی.

درس‌نامه‌های کتاب

کتاب حاضر درس‌نامهٔ کاملی برای تمام مطالب درسی از معنی لغت و املا تا معنی و مفهوم ابیات دارد. اما باید دقت کنی که تمام مطالب فارسی حفظی نیستند و به جز لغت و تاریخ‌ادبیات، سایر مطالب را باید یاد بگیری. پس روش درست مطالعهٔ درس فارسی به هیچ عنوان حفظ کردن آرایه‌ها و نکات دستوری و مفاهیم نیست. بلکه باید ابتدا خودت تلاش کنی بعد از خواندن بیت، معنی و مفهوم، آرایه‌ها و نکات دستوری‌اش را تحلیل کنی و بعد از آن، نظر خودت را با نظر کتاب ما مقایسه کنی و متوجه بشوی کجاها خطا کرده‌ای و علت آن اشتباه را هم با خودت بررسی کنی. اگر کسی یک بار در کلاس درس و بار دیگر در منزل نکات ابیات و عبارات مهم کتاب را با خودش بررسی کند و آن‌ها را اصلاح کند، قطعاً در امتحان نهایی هم می‌تواند از پس سؤالات برآید. پس توصیه می‌کنم نگاهت به درس‌نامه به عنوان یک مرجع و منبع باشد و اصل کار را بر تحلیل خودت بگذاری.

در ابتدای درس‌نامه و قبل از تحلیل متن، درس‌نامهٔ کاملی برای مطالب دستوری آن درس قرار داده‌ام تا قبل از پاسخ گفتن به سؤالات دستور حتماً آن را مطالعه کنی. در مورد آرایه‌های ادبی، این درس‌نامه‌ها در ضمیمه‌ای که بر روی سایت قرار داده‌ایم، آمده است. توصیه می‌کنم درس‌نامهٔ دستور را حتماً قبل از هر مبحث مطالعه کنی، حتی اگر فکر می‌کنی در آن مطلب تسلط کافی داری. اما در مورد درس‌نامه‌های آرایه نیازی نیست حتماً تمام درس‌نامه را بخوانی. هرجا که احساس نیاز کردی به درس‌نامه مراجعه کن، اما از تمرینات داخل درس‌نامه‌ها غفلت نکن. به تمرینات دستور، همان موقع که درس‌نامه را می‌خوانی پاسخ بده ولی در مورد آرایه این تمرینات جنبهٔ جمع‌بندی دارند و بهترین زمان برای پاسخ دادن به آن‌ها بعد از عید است.

سؤالات کتاب

سؤالات کتاب در دو بخش قرار گرفته‌اند: سؤالات امتحانی و سؤالات مهارت. سؤالات بخش اول از کتاب درسی و در حد امتحان نهایی طرح شده‌اند و به صورت موضوعی تفکیک شده‌اند. سؤالات در هر موضوع از ساده به دشوار قرار گرفته‌اند و مطالب کتاب درسی را به خوبی پوشش می‌دهند. به تمام شکل‌های رایج سؤالات امتحان نهایی و تیپ‌هایی که احتمال دارد در امتحان بیاید توجه کرده‌ایم و پاسخ گفتن به سؤالات این بخش برای کسب نمرهٔ عالی در امتحان نهایی کافی است. در سؤالات دستور از مطالب دستوری که در قلمرو آن درس آمده است، سؤالات بیشتری طرح شده است اما از سایر مطالب دستوری در ابیات و عبارات همان درس هم سؤال پرسیده‌ایم.

در بخش دوم یعنی سؤالات مهارت، باز هم سؤال‌ها از کتاب درسی و از ابیات و عبارات کتاب درسی است، اما در این بخش سطح سؤالات کمی بالاتر است. گاهی مطالب آن درس با مطالب درس‌های قبل ترکیب شده‌اند، گاهی سؤالات به صورت تستی هستند و گاهی هم هدف سؤال، مرور و جمع‌بندی مطالب مهمی است که حتماً باید در آن درس بدانی. در امتحان نهایی (طبق آخرین بخش‌نامهٔ دبیرخانهٔ ادبیات فارسی) از متن روان‌خوانی‌ها، شعرخوانی‌ها و گنج حکمت‌ها فقط سؤال لغت، املا و مفهوم طرح می‌شود و از ابیات و عبارات داخل قلمروها هم غیر از لغت و املا فقط سؤال مرتبط با همان قلمرو طرح می‌شود؛ در این کتاب هم ما مطابق همین بخش‌نامه عمل کرده‌ایم و از متن گنج حکمت‌ها، شعرخوانی‌ها و روان‌خوانی‌ها فقط سؤال لغت، املا و مفهوم آورده‌ایم؛ ولی در درس‌نامه‌های این درس‌ها سعی کردیم موارد دستوری و آرایه‌های مهم را که در درک مفهوم بیت اثر دارند، بنویسیم تا به طور دقیق مفاهیم این ابیات و عبارات را درک کنید.

پاسخ تشریحی

گاهی تحلیل کردن سؤال و فهمیدن علت اینکه چرا به سؤالی پاسخ نادرست داده‌اید از خودِ سؤال مهم‌تر است. در انتهای کتاب، پاسخ‌نامهٔ تشریحی سؤالات آمده است. در این بخش سعی کرده‌ام ضمن آن که پاسخ سؤال کوتاه و روشن باشد، به‌گونه‌ای باشد که بتوانی علت نادرستی پاسخ خودت را بفهمی و دام‌های سؤال و نکات مهم آن تشریح شود. پس حتماً بعد از پاسخ گفتن به سؤالات به پاسخ‌نامه مراجعه کن تا ضمن آن که از درستی یا نادرستی جوابت مطلع می‌شوی به اشتباه احتمالی خودت هم پی ببری.

امتحان‌های دوره‌ای

با توجه به اهمیت بالای امتحان نهایی، لازم است غیر از مطالعهٔ دقیق و کامل مطالب درسی، مهارت‌های دیگری هم داشته باشی تا بتوانی نمرهٔ عالی و کامل بگیری. اگر پاسخ سؤالی را بدانی اما بی‌دقتی کنی و در نوشتن پاسخ، چیزی را که طراح سؤال در نظر داشته است، ننویسی یا به گونه‌ای بنویسی که مصحّح متوجه منظورت نشود، ممکن است با وجود تسلط در آن مبحث، نمرهٔ آن سؤال را کسب نکنی. برای از بین‌بردن بی‌دقتی و تمرین برای درست نوشتن پاسخ و خلاصه کسب مهارت آزمون دادن، بهترین راه پاسخ دادن به آزمون‌های مشابه امتحان نهایی است. زمانی که چاپ سوم این کتاب عرضه می‌شود، دو امتحان نهایی برای پایهٔ یازدهم برگزار شده است، ما علاوه بر این آزمون‌ها سه آزمون مشابه نهایی از مطالب کل کتاب آورده‌ایم تا بعد از مطالعهٔ کامل کتاب درسی، در روزهای آخر بتوانی ضمن مرور مطالب و محک زدن خودت، مهارت آزمون دادن هم کسب کنی. در پاسخ این سؤالات مانند امتحان نهایی بارم ریز هر بخش از پاسخ مشخص شده است تا بتوانی نمرهٔ دقیق خود را محاسبه کنی و متوجه شوی چه نکاتی در نوشتن پاسخ اهمیت دارند.

غیر از سه آزمون جامع که در انتهای کتاب قرار گرفته‌اند، چهار آزمون دیگر مشابه امتحانات نهایی در کتاب آمده است که از بودجهٔ کل کتاب نیست؛ دو آزمون از مطالب ترم اول که بعد از درس ۹ در کتاب قرار گرفته‌اند، یک آزمون میان‌نوبت اول و یک آزمون میان‌نوبت دوم که این آزمون‌ها هم در جای خودشان در میانهٔ کتاب قرار گرفته‌اند.

سخن آخر

اگرچه تألیف این کتاب را با نهایت دقّت به انجام رساندیم، اما این کتاب از خطاهای احتمالی برکنار نیست و از همکاران و معلّمان نکته‌سنج در سراسر کشور و همچنین دانش‌آموزان عزیز، درخواست می‌کنیم، نقدها، نظرها و پیشنهادهای خود را حتماً و لطفاً به ما اطلاع دهند.

در پایان، از همهٔ عزیزانی که در نشر الگو به من یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌کنم:

سرکار خانم ستین مختار مسئول واحد تولید، که صمیمانه و با روحیهٔ بالا در تألیف کتاب در کنار من بودند، از ایشان صمیمانه سپاس‌گزارم. همین‌طور از دوست عزیزم دکتر محمد کشوری که حضور او همیشه مایهٔ پشت‌گرمی است.

جناب آقای مرتضی قَشَمی، جناب آقای دکتر وسکری و سرکار خانم زهرا صادقی زحمت کشیدند و کار را با نظر دقیق و علمی مورد بررسی و ویرایش قرار دادند و هم‌چنین سرکار خانم ارمغان صبح‌خیز که ویراستار فنی این کتاب بودند، قدردان زحمات شما هستم.

از دانش‌آموز سابق و یار و همراهم در این کتاب، خانم مبینا مرتضوی که دانشجوی پزشکی هستند و در تهیهٔ بخشی از درس‌نامه‌ها به من کمک کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

- آراستگی این کتاب، به عهدهٔ همکاران حرفه‌ای ما در واحد تولید خانم‌ها: عاطفه ربیعی، سوده زارعی، پریا میانجی و آقای سامان شاهین‌پور بوده است. حسن ختام این مقدمه، تشکر ویژه از این دوستان است.

افشین محی‌الدین

فهرست مطالب

ستایش: لطف خدا

درس‌نامه ۲
سؤالات تشریحی ۴
سؤالات مهارت ۶

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

درس یکم: نیکی

درس‌نامه ۸
گنج حکمت: همّت ۱۵
کارگاه متن‌پژوهی ۱۶
سؤالات تشریحی ۱۷
سؤالات مهارت ۲۲

درس دوم: قاضی بُست

درس‌نامه ۲۵
شعرخوانی: زاغ و کبک ۳۱
کارگاه متن‌پژوهی ۳۳
سؤالات تشریحی ۳۴
سؤالات مهارت ۴۱

فصل دوم: ادبیات پایداری

درس سوم: در امواج سند

درس‌نامه ۴۴
گنج حکمت: چو سرو باش ۴۹
کارگاه متن‌پژوهی ۵۰
سؤالات تشریحی ۵۱
سؤالات مهارت ۵۶

درس چهارم: درس آزاد

فارسی واژه‌ها ۵۹

درس پنجم: آغازگری تنها

درس‌نامه ۶۰
روان‌خوانی: تا غزل بعد ۶۶
کارگاه متن‌پژوهی ۶۶
سؤالات تشریحی ۶۷
سؤالات مهارت ۷۲
آزمون ۱: میان‌نوبت اول ۷۴

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ششم: پروردهٔ عشق

درس‌نامه ۷۸
گنج حکمت: مردان واقعی ۸۵
کارگاه متن‌پژوهی ۸۵
سؤالات تشریحی ۸۶
سؤالات مهارت ۹۲

درس هفتم: باران محبّت

درس‌نامه ۹۵
شعرخوانی: آفتاب حُسن ۱۰۱
کارگاه متن‌پژوهی ۱۰۲
سؤالات تشریحی ۱۰۴
سؤالات مهارت ۱۰۹

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

درس هشتم: در کوی عاشقان

درس‌نامه ۱۱۳
گنج حکمت: چنان باش ۱۲۱
کارگاه متن‌پژوهی ۱۲۲
سؤالات تشریحی ۱۲۳
سؤالات مهارت ۱۲۷

درس نهم: ذوق لطیف

درس‌نامه ۱۳۰
روان‌خوانی: میثاق دوستی ۱۳۴
کارگاه متن‌پژوهی ۱۳۶
سؤالات تشریحی ۱۳۷
سؤالات مهارت ۱۴۲
آزمون ۲: پایان‌نوبت اول ۱۴۴
آزمون ۳: پایان‌نوبت اول ۱۴۷

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم: بانگ جَرَس

درس‌نامه ۱۵۱
گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن ۱۵۵
کارگاه متن‌پژوهی ۱۵۵
سؤالات تشریحی ۱۵۶
سؤالات مهارت ۱۶۰

درس یازدهم: یاران عشق

درس‌نامه ۱۶۳
شعرخوانی: صبح بی‌تو ۱۶۶
کارگاه متن‌پژوهی ۱۶۸
سؤالات تشریحی ۱۶۹
سؤالات مهارت ۱۷۴

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه

درس‌نامه ۱۷۶
گنج حکمت: کاردانی ۱۸۵
کارگاه متن‌پژوهی ۱۸۶
سؤالات تشریحی ۱۸۷
سؤالات مهارت ۱۹۳

درس چهاردهم: حملهٔ حیدری

درس‌نامه ۱۹۵
شعرخوانی: وطن ۲۰۱
کارگاه متن‌پژوهی ۲۰۲
سؤالات تشریحی ۲۰۳
سؤالات مهارت ۲۰۹
آزمون ۴: میان‌نوبت دوم ۲۱۲

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار

درس‌نامه ۲۱۵
گنج حکمت: مهمانِ ناخوانده ۲۲۰
کارگاه متن‌پژوهی ۲۲۱
سؤالات تشریحی ۲۲۲
سؤالات مهارت ۲۲۷

درس شانزدهم: قصّهٔ عینکم

درس‌نامه ۲۳۰
روان‌خوانی: دیدار ۲۳۶
کارگاه متن‌پژوهی ۲۳۸
سؤالات تشریحی ۲۳۹
سؤالات مهارت ۲۴۴

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس هفدهم: خاموشی دریا

درس‌نامه ۲۴۷

گنج حکمت: تجسّم عشق ۲۴۹

کارگاه متن‌پژوهی ۲۴۹

سؤالات تشریحی ۲۵۰

سؤالات مهارت ۲۵۳

درس هجدهم: خوان عدل

درس‌نامه ۲۵۴

روان‌خوانی: آذرباد ۲۵۸

کارگاه متن‌پژوهی ۲۶۰

سؤالات تشریحی ۲۶۱

سؤالات مهارت ۲۶۵

نیایش: الهی

درس‌نامه ۲۶۸

سؤالات تشریحی ۲۶۹

سؤالات مهارت ۲۷۱

آزمون‌های جامع

آزمون ۵: آزمون جامع (۱) ۲۷۳

آزمون ۶: آزمون جامع (۲) ۲۷۶

آزمون ۷: آزمون جامع (۳) ۲۷۹

آزمون ۸: آزمون جامع (۴): امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ ..... ۲۸۳

آزمون ۹: آزمون جامع (۵): امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ ..... ۲۸۷

پاسخ‌های تشریحی

پاسخ‌های تشریحی تمرین‌های پایان درس ۲۹۲

پاسخ‌های تشریحی آزمون‌ها

پاسخ تشریحی آزمون (۱) ۳۲۵

پاسخ تشریحی آزمون (۲) ۳۲۵

پاسخ تشریحی آزمون (۳) ۳۲۶

پاسخ تشریحی آزمون (۴) ۳۲۷

پاسخ تشریحی آزمون (۵) ۳۲۷

پاسخ تشریحی آزمون (۶) ۳۲۸

پاسخ تشریحی آزمون (۷) ۳۲۹

پاسخ تشریحی آزمون (۸) ۳۳۰

پاسخ تشریحی آزمون (۹) ۳۳۱

درس یکم نیکی

دانش‌نامه‌های آغازین

خلاصهٔ درس: در این درس که از اثر ارزشمند «سعدی»، «بوستان»، انتخاب شده‌است، سعدی با آوردن داستانی تمثیلی به اهمّیت تلاش و کوشش در کسب روزی پرداخته‌است. در بخش آغازین درس، درویشی با دیدن روباهی بی‌دست‌وپا در آفرینش و لطف خدا شک می‌کند، اما بعد از آن که می‌بیند خداوند روزی آن روباه را هم می‌رساند، نتیجه می‌گیرد که «کسب روزی به زور بازو نیست» و «خدا روزی هرکس را بدون تلاش می‌رساند». پس با امید به روزی‌رسانی خدا به گوشه‌ای می‌نشیند و به گوشه‌نشینی و عبادت می‌پردازد. بعد از مدتی وقتی از ضعیفی و ناتوانی فقط پوست و استخوانی از او باقی می‌ماند، ندایی به قلبش می‌رسد که «باید به خودت و زور بازویت اتّکا کنی» و درست است که خدا روزی هرکس را می‌رساند ولی بدون تلاش و زحمت این کار ممکن نیست. در پایان نتیجهٔ اصلی داستان «توصیه به خوداتّکایی» است و این که «هر کس باید از زور بازوی خود روزی کسب کند» و علاوه بر آن «باید به ضعیفان و ناتوانان یاری برسانیم» و از این مطلب غافل نباشیم که «خدا به کسی عنایت دارد که به خلق خدا خیر برساند».

تاریخ ادبیات کتاب «بوستان» اثر منظوم «سعدی شیرازی» است. این اثر ارزشمند به ادبیات تعلیمی تعلّق دارد و سعدی در آن راه و رسم زندگی سعادتمندانه را در قالب داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز به ما می‌آموزد.

کتاب «بهارستان» اثر **منثور** (نثر آمیخته به نظم) «جامی» است. جامی این اثر تعلیمی را به شیوهٔ «گلستان سعدی» نوشته است.

دستور زبان[1]

حرف ربط (پیوند)

حرف ربط بین دو جمله می‌آید و آن دو جمله را به هم می‌پیوندد. دو نوع حرف ربط یا پیوند در زبان فارسی وجود دارد: پیوند وابسته‌ساز و پیوند هم‌پایه‌ساز

- **پیوند هم‌پایه‌ساز:** فقط دو جمله را به هم می‌پیوندد و آن‌ها را به هم وابسته نمی‌کند. دو جمله‌ای که با حرف ربط هم‌پایه‌ساز به هم مرتبط می‌شوند، «هم‌پایه» هستند. اگر جملهٔ اول ساده است، دومی هم ساده است. اگر اولی وابسته است، دومی هم همین‌طور است.

  مهم‌ترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارتند از:

  و، یا، اما، ولی، لیکن، ولیکن، چه ... چه، خواه ... خواه، هم ... هم

- **پیوند وابسته‌ساز:** این نوع حرف ربط، دو جمله را به هم وابسته می‌کند، یعنی دو جمله‌ای که با حرف ربط وابسته‌ساز به هم پیوسته‌اند، یک پیام را می‌رسانند و جملهٔ مرکب خوانده می‌شوند.

  مهم‌ترین پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از:

  که، اگر، تا، چون، چو، وقتی، اگرچه، چنانکه، چنانچه، اگرچنانکه، وقتی که

پیوند وابسته‌ساز در ابتدای «جملهٔ وابسته» یا «پیرو» می‌آید و جمله‌ای که حرف ربط وابسته‌ساز ندارد، «جملهٔ هسته» یا «پایه» است:

دگر روز باز اتّفاق اوفتاد	که	روزی‌رسان، قوت روزش بداد
جملهٔ هسته (پایه)	حرف ربط	جملهٔ وابسته (پیرو)

تمرین

در ابیات زیر جمله‌های «هسته» و «وابسته» را مشخّص کنید:

۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش — نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۲) اگر لطفش قرین حال گردد — همه ادبارها اقبال گردد

۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم — که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۴) خرد را گر نبخشد روشنایی — بماند تا ابد در تیره‌رایی

پاسخ ۱) بلند آن سر [است] (هسته) که او خواهد بلندش (وابسته) - نژند آن دل [است] (هسته)، که او خواهد نژندش (وابسته): **هرمصراع یک جملهٔ مرکب است.**

۲) اگر (پیوند وابسته‌ساز) لطفش قرین حال گردد (جملهٔ وابسته) همه ادبارها اقبال گردد (جملهٔ هسته).

۳) به ترتیبی نهاده وضع عالم (جملهٔ هسته) که نی یک موی باشد بیش (جملهٔ وابسته) و (پیوند هم‌پایه‌ساز) نی کم [باشد] (جملهٔ وابسته): کل بیت یک جملهٔ مرکب است، در مصراع دوم دو جملهٔ وابسته آمده که در بینشان حرف ربط هم‌پایه‌ساز «و» آمده است. این حرف دو جمله را هم‌رتبه می‌کند.

۴) گر خرد را نبخشد روشنایی (جملهٔ وابسته) بماند تا ابد در تیره‌رایی (جملهٔ هسته).

۱- در قلمرو زبانی هر کدام از درس‌های کتاب فارسی، یک یا چند موضوع دستوری به صورت درس‌نامه یا سؤال آمده است، ما در هر درس قبل از ورود به درس یک درس‌نامهٔ کامل در مورد آن موضوع قرار داده‌ایم تا شما با مطالعهٔ آن، مطلب مورد بحث را کامل بیاموزید. البته آموزش کامل این مطالب با تمرین بیشتر و در خلال تمرین‌های درس اتفاق می‌افتد.

نکته «که»، «تا»، «چون» و حتی «اگر» همیشه حرف ربط وابسته‌ساز نیستند. اگر «که» به معنی «چه‌کسی» (یا کسی که) باشد، ضمیر است و حرف ربط نیست. «تا» اگر نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ زمانی یا مکانی باشد (تا اصفهان، تا صبح) و «چون» اگر به معنی «مانند» باشد (چون شیر) حرف اضافه هستند.

نکته حرف «واو» اگر بین دو جمله بیاید، پیوندهم‌پایه‌ساز است، اما اگر داخل یک جمله و میان کلمات یا گروه کلمات هم‌نقش بیاید، «حرف عطف» است؛ مثلاً در مصراع «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند»، همهٔ واوها حرف عطف هستند. گاهی «و» در داخل یک کلمه می‌آید و نمی‌توانیم اجزای آن کلمه را جدا کنیم که در این حالت این «و» میان‌وند است: پخت‌وپز، گفت‌وگو، بی‌دست‌وپا، سی‌وسه

افعال اسنادی و غیر اسنادی

می‌دانیم فعل‌های «است، بود، شد، گشت و گردید» اسنادی هستند و علاوه بر نهاد به مسند هم نیاز دارند، اما فعل‌های ساخته‌شده از مصدرهای «استن، بودن، شدن، گشتن و گردیدن» همیشه اسنادی نیستند و استثناهایی وجود دارد:

- «استن و بودن» اگر به معنی «وجود داشتن» باشند غیر اسنادی هستند: خدا هست. | در مریخ هوا نیست. | ابتهاج تا سال پیش میان ما بود.
- «شدن» اگر به معنی «رفتن» باشد، غیر اسنادی است: به خانهٔ امیر شدیم و در آنجا ماندیم.
- «گشتن» و «گردیدن» اگر به معنی «شدن» باشند، اسنادی و در غیر این صورت (در معانی مثل «چرخیدن و جست‌وجو کردن») غیر اسنادی هستند.

در تمام مصدرهای بالا پرسیدنِ سؤال مسند هم می‌تواند به ما نشان دهد که فعل اسنادی است یا خیر، اگر فعل غیر اسنادی باشد این سؤال بی‌جواب می‌ماند. مثلاً در جملهٔ «تا شقایق هست زندگی باید کرد.» سؤال «شقایق چی (چطور) هست؟» بی‌پاسخ می‌ماند.

تمرین

در ابیات زیر مشخص‌کنید که کدام یک از فعل‌های مشخص‌شده اسنادی هستند و کدام یک غیر اسنادی.

۱) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه
۲) اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد
۳) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آنش رنگ‌های بی‌شمار است
۴) ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد
۵) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها
۶) چو رهام گشت از کشانی ستوه / بپیچید از او روی و شد سوی کوه

پاسخ ۱) «باشد» اسنادی و «آن» مسند است. | «نیستم» اسنادی است و «آگاه» مسند.
۲) هر دو فعل «گردد» اسنادی هستند و «قرین» و «اقبال» به‌ترتیب مسند آن‌ها هستند.
۳) «است» در مصراع اول اسنادی و «خندان» مسند است ولی «است» مصراع دوم غیر اسنادی است: از آن، برای او رنگ‌های بی‌شمار (نهاد) است (= وجود دارد).
۴) هر دو فعل «شد» اسنادی هستند و «حامل» و «صاحب» نقش مسندی دارند.
۵) «باشد» غیر اسنادی است: عشق حرم (نهاد) باشد (= وجود داشته باشد)، «است» اسنادی است و «سهل» مسند آن است.
۶) «گشت» اسنادی است و «ستوه» مسند است. «شد» به معنی «رفت» است و غیر اسنادی است.

روابط واژگان

بعضی از کلمات مانند «شیر»، «ماه» و «سیر» بیش از یک معنی دارند و برای پی‌بردن به معنی آن‌ها دو راه وجود دارد:

الف قرار گرفتن واژه در جمله: وقتی کل جمله را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم منظورمان از «شیر» حیوان در جنگل است یا شیر خوراکی.

ب توجه به روابط واژگان: با توجه به رابطهٔ آن واژه با سایر واژه‌ها به معنی آن پی می‌بریم؛ مثلاً «شیر و پلنگ» و یا «شیر و ماست».

یک واژه با واژهٔ دیگر می‌تواند یکی از چهار رابطهٔ زیر را داشته‌باشد:

۱ **ترادف (هم‌معنایی):** دو واژه هم‌معنی باشند: باره و اسب | باره و دفعه
۲ **تناسب (هم‌بستگی):** گل و سبزه | سیر و پیاز | دست و پا
۳ **تضاد:** ادبار و اقبال | سیر و گرسنه
۴ **تضمّن:** یکی دیگری را دربربگیرد؛ رابطهٔ یک عضو با مجموعه‌ای که عضو آن است، یا یک مجموعه با زیرمجموعه‌هایش یا یک کل با اجزایش:
کوه و دماوند | حافظ و شاعر | مدرسه و کلاس | دماوند و کوه | اسب و حیوان | سیر و گیاه | دست و بدن

لغات دارای معانی چندگانه

همّت: ۱) اراده و تلاش ۲) دعای خیر پیر و مرشد ۳) بلندنظری

درویش: ۱) نیازمند ۲) عارف و گوشه‌نشین

چنگ: ۱) ساز چنگ ۲) دست

لغات دارای هم‌آوا و متشابه[1]

- خوار: زبون، پست
- خار: تیغ گل
- مهراب: اسم خاص، شاه کابل در شاهنامه
- محراب: جای ایستادن پیش‌نماز در مسجد
- قَرض: بدهی، وام
- غَرَض: قصد و نیت

کلمات تک‌املایی مهم

لطف و صنع	قوت و روزی	زنخدان و چانه	دغل و حیله‌گر
ضایع و تباه	حَمیّت و مردانگی		

بررسی تخصّصی ابیات و عبارات درس

۱ یکی روبهی دید بی‌دست و پای — فروماند در لطف و صنع خدای

لغت **فروماندن:** متحیّر شدن | **صنع:** آفرینش

معنی شخصی روباهی بدون دست و پا را دید و با دیدن آن موجود، در لطف و آفرینش خدا متعجّب و حیران شد.

آرایه **مراعات‌نظیر:** دست و پا

دستور یکی (نهاد) روبهی (مفعول) بی‌دست‌وپای (صفت) را دید (فعل)، در لطف و صنع خدای (گروه متممی) فروماند (فعل).
«واو» در مصراع اول میان‌وند است و جزئی از واژه و در مصراع دوم حرف عطف است.

۲ که چون زندگانی به سر می‌برد؟ — بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

معنی که [روباه] چگونه زندگی را می‌گذراند و با این بی دست و پایی چگونه روزی به دست می‌آورد؟

آرایه **مراعات‌نظیر:** دست و پا | **کنایه:** زندگانی به سر می‌برد: زندگی می‌کند | **ایهام تناسب**[2]: «سر» در مصراع اول به معنی «عضو بدن» قابل قبول نیست و این معنی با «دست و پا» تناسب دارد.

دستور «چون» (بر وزن خون) به معنی چگونه است و نقش قید دارد. «زندگانی» نقش مفعولی دارد و «دست و پای» متمّم است.

۳ در این بود درویش شوریده‌رنگ — که شیری برآمد، شغالی به چنگ

لغت **شوریده‌رنگ:** آشفته‌حال | **شغال:** جانور پستانداری از تیرهٔ سگان که جزو رَستهٔ گوشتخواران است. | **درویش:** تنگ‌دست، فقیر، در اصطلاح گوشه‌نشین و عارف

معنی آن درویش آشفته‌حال در این فکر بود که ناگهان شیری آمد، در حالی که شغالی را در چنگال داشت.

آرایه **جناس:** رنگ و چنگ (ناهمسان) | **مراعات‌نظیر:** شیر و شغال | **کنایه:** شوریده‌رنگ: آشفته‌حال | **واج‌آرایی:** تکرار صامت / ش /

دستور فعل «داشت» در پایان مصراع دوم به قرینهٔ معنایی حذف شده است. «این» در این بیت متمم است و وابستهٔ پیشین نیست. «که» در ابتدای مصراع دوم «پیوند وابسته‌ساز» است.

۴ شغال نگون‌بخت را شیر خورد — بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

لغت **نگون‌بخت:** بدبخت

معنی شیر آن شغال بخت‌برگشته را خورد، و روباه از آن چیزی که از شغال باقی مانده بود، خورد و کامل سیر شد.

آرایه **جناس:** شیر و سیر (ناهمسان) | **مراعات‌نظیر:** شیر و شغال و روباه | **کنایه:** «نگون‌بخت» کنایه از «بدبخت» است.

دستور شیر (نهاد) شغال نگون‌بخت (مفعول) را خورد (فعل)، آنچه (نهاد) بماند (فعل) روباه (نهاد) از آن (متمم) سیر (قید) خورد (فعل).

۱- کلماتی که تلفظ یکسان دارند ولی املا و معنی آن‌ها متفاوت است، در اصطلاح «هم‌آوا» نام دارند؛ مانند قالب و غالب. در املا خیلی باید به این واژه‌ها توجه داشته باشید تا شکل درستشان را انتخاب کنید. در کنار این کلمات واژه‌های دیگری داریم که تلفظ آن‌ها دقیقاً یکی نیست ولی دو شکل املایی مشابه دارند و در املا این واژه‌ها هم به اندازهٔ واژه‌های اول اهمیت دارند، به این واژه‌ها «متشابه املایی» می‌گوییم؛ مانند اَسرار و اِصرار. دقت داشته باشید که اگرچه هر دو دسته از نظر املایی مهم هستند و ما آن‌ها را با هم در درس‌نامه می‌آوریم ولی نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیرید. ما در این درس‌نامه واژه‌های دارای هم‌آوا را به صورت هایلایت‌شده آورده‌ایم تا شما متوجه این تفاوت باشید.

۲- در مبحث آرایه‌ها شما باید به تمام آرایه‌های ادبی که تا کنون خوانده‌اید مسلط باشید و بتوانید آن‌ها را در ابیات کتاب درسی بررسی کنید. برای یادآوری آرایه‌های قدیمی و آموختن آرایه‌های جدید می‌توانید به درس‌نامه مربوط به آن که در سایت الگو به نشانی www.olgoobooks.ir قرار داده شده‌است، مراجعه کنید.

۵ دگـــر روز بـــاز اتّـــفـــاق اوفـــتـــاد کـه روزی‌رســـــان، قـوت روزش بـداد

لغت **قوت:** رزق روزانه، خوراک، غذا

معنی روز بعد هم دوباره همین اتّفاق افتاد و خدای روزی‌رسان، روزی روباه را به او داد.

مفهوم روزی‌رسانی خداوند

آرایه **جناس:** روز و روزی (ناهمسان) | **واج‌آرایی:** تکرار صامت‌های / ر / و / ز / و مصوت / او / | **تکرار:** تکرار واژهٔ «روز»

دستور «که» در مصراع دوم حرف ربط وابسته‌ساز است، بنابراین مصراع دوم جملهٔ وابسته و مصراع اول جملهٔ هسته است. «دگر» صفت مبهم است، «باز» قید است و «ش» نقش مضاف‌الیه دارد.

۶ یقین، مـــرد را دیـــده، بیننده کرد شـــد و تـکـیـه بـــر آفـریـنـنـده کـرد

معنی یقین، چشمان مرد را بینا کرد و مرد به آگاهی و یقین رسید، پس به گوشه‌ای رفت و به روزی‌رسانی خدا تکیه کرد.

مفهوم توکّل کردن به روزی‌رسانی خدا

آرایه **کنایه:** «بیننده شدن دیده» کنایه از «آگاه شدن» است و «تکیه‌کردن» کنایه از «توکّل کردن».

دستور «را» در این بیت نشانهٔ «فک اضافه» است و «مرد را دیده» باید به صورت «دیدهٔ مرد» مرتب شود: یقین (نهاد) دیدهٔ مرد (مفعول) را بیننده (مسند) کرد، [مرد] (نهاد) شد (= رفت) و بر آفریننده (متمم) تکیه کرد (فعل).

یادآوری «رای فک اضافه» نشـان‌دهندهٔ مضاف‌الیه و ترکیب اضافی اسـت. این نوع «را» بعد از مضاف‌الیه می‌آید و نشان‌دهندهٔ این است که یک ترکیب اضافه داشـته‌ایم که از هم باز شده‌اسـت و جای مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده‌اسـت (همیشه این اتفاق نمی‌افتد) و حالا بعد از مضاف‌الیه «را» آمده است. مثلاً ترکیب اضافی «دیدهٔ مرد» از هم باز شده است و جای مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده‌است و بین آن‌ها «را» آمده است: مرد را دیده. برای پی بردن به نوع «را» ابتدا بررسی کنید ببینید آیا کلمهٔ قبل از «را» مفعول است و فعل ما مفعول می‌خواهد یا خیر. اگر «را» نشانهٔ مفعول نبود، حالا بررسی کنید آیا «را» به معنی یکی از حروف اضافهٔ «از، در، به، برای» به کار رفته اسـت و کلمهٔ قبل از «را» متمم اسـت یا خیر. اگر هیچ‌کدام از این دو نوع «را» نبود، بررسـی کنید آیا کلمهٔ قبل از «را» مضاف‌الیه کلمهٔ بعد از آن یا کلمات دیگر جمله است یا خیر.

۷ کزین پـس بـه کنجی نشینم چـو مور کـه روزی نـخـوردنـد پـیـلان بـه زور

معنی از این پس مانند یک مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم [و برای کسب روزی تلاش نمی‌کنم]، زیرا حتی حیوانات قدرتمندی مانند فیل‌ها هم با زور و قدرتشان، روزی نمی‌خورند.

مفهوم تکیه‌کردن بر روزی‌رسانی خداوند | روزی به زور بازو نیست.

آرایه **جناس:** مور و زور (ناهمسان) | **کنایه:** «به کنجی نشستن» کنایه از «ترک کردن تلاش» است. | **تشبیه:** من (مشبّه) چو (ادات تشبیه) مور (مشبّه‌به) به کنجی نشینم (وجه شبه) | **تضاد:** پیل و مور[1] | **نماد:** «پیل» نماد «زورمندی» و «مور» نماد «ضعف و گوشه‌نشینی»

دستور در این بیت دو جمله وجود دارد که هر دو جمله وابسته هستند و به جمله‌های بیت قبل وابسته شده‌اند.

۸ زَنَـــخـــدان فـــروبـــرد چـــنـــدی بـــه جیب کـــه بخشنده روزی فرستد ز غیب

لغت **زنخدان:** چانه | **جیب:** گریبان، یقه | **غیب:** پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند.

معنی مرد مدّتی گوشه‌نشینی کرد و به تفکّر پرداخت به این امید که خداوند روزی او را از عالم غیب خواهدفرستاد.

مفهوم توکّل به روزی‌رسانی خداوند

آرایه **جناس:** جیب و غیب (ناهمسان) | **کنایه:** «زنخدان به جیب بردن» (سر به گریبان بردن) کنایه از «گوشه‌نشینی و تفکر» است.

دستور «که» در مصراع دوم پیوند وابسته‌ساز است، مصراع اول جملهٔ هسته و مصراع دوم جملهٔ وابسته است. نقش «زنخدان» و «روزی» مفعول است.

---

۱ - «پیـل» و «مـور» بیـرون از این شـعر با هم تناسـب دارند و آرایهٔ مراعـات نظیر ایجاد می‌کنند، ولی در اینجا در معنـی متضاد به کار رفته‌اند و دیگـر آن را مراعات‌نظیر نمی‌گیریم و ما در درس‌نامه فقط به آرایهٔ تضاد میان آن‌ها اکتفا کرده‌ایم، در ادبیات بعدی هم، «روباه» و «شیر» و «شغال» و «شیر» همین وضعیت را دارند.

۹ نـه بیگانه تیمار خـوردش نـه دوسـت چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

لغت **چنگ:** نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. | **تیمار:** غم، اندیشه، محافظت؛ **تیمارخوردن:** پرستاری، محافظت‌کردن، غمخواری

معنی هیچ کس غصّهٔ او را نخورد و از دوست و غریبه کسی به او کمکی نکرد تا این که مانند ساز چنگ تنها پوست و استخوان از او باقی ماند.

مفهوم یاری‌ندیدن از دیگران و تنها ماندن

آرایه **تشبیه:** «آن مرد» (مشبّه) به «چنگ» (مشبّه‌به) تشبیه شده است. | **تضاد:** بیگانه و دوست | **مراعات‌نظیر:** پوست، استخوان و رگ | **کنایه:** «پوست و استخوان از کسی ماندن» کنایه از «لاغر شدن» | **جناس:** دوست و پوست (ناهمسان) | **ایهام تناسب:** «چنگ» به معنی «دست» قابل قبول نیست و این معنی با «رگ و پوست و استخوان» تناسب دارد.

دستور نقش دستوری «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه (که از جای خود جابه‌جا شده) و در مصراع دوم متمم است: بیگانه (نهاد) تیمارش (تیمار مفعول و ش مضاف‌الیه) را نخورد و دوست (نهاد) [تیمارش را نخورد]. چو چنگ (متمم) برای او (برایش) (متمم) رگ و استخوان و پوست (نهاد) ماند.

۱۰ چـو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیـوار مـحـرابـش آمـد بـه گـوش:

لغت **محراب:** قبله، جای ایستادن پیش‌نماز

معنی وقتی از شدّت ضعف برای او صبر و هوشی باقی نمانده بود، از دیوار محراب صدایی به گوشش رسید ...

آرایه **جناس:** هوش و گوش (ناهمسان)

دستور نقش دستوری «ش» در مصراع اول متمم است و در مصراع دوم مضاف‌الیهِ کلمهٔ «گوش» (جهش ضمیر دارد). «چو» در مصراع اول حرف ربط وابسته‌ساز است بنابراین جملهٔ مصراع اول وابسته است و مصراع دوم جملهٔ هسته. «واو» مصراع اول حرف عطف است: چو از ضعیفی صبر و هوش برای او نماند ...

یادآوری «ضمیر پیوسته» نوعی کلمه است (نقش نیست) که می‌تواند یکی از نقش‌های مضاف‌الیه، مفعول یا متمم را بپذیرد. در درس ۶ برای نقش ضمیر پیوسته درس‌نامه‌ای آورده‌ایم که می‌توانید به آن مراجعه کنید.

یادآوری معنـی و مفهـوم ایـن بیت ناقص می‌ماند و با بیت بعد کامل می‌شـود. به چنیـن ابیاتی که معنی آن‌ها با هم کامل می‌شـود «موقوف‌المعانی» می‌گویند. موقوف‌المعانی بودن نه آرایه است نه نکتهٔ دستوری، بلکه صرفاً یک اصطلاح است.

۱۱ بـرو شـیـر درّنـده بـاش ای دَغَـل مَـیَـنـداز خـود را چـو روبـاه شَـل

لغت **دغل:** ناراست، حیله‌گر | **شل:** دست و پای از کار افتاده

معنی ای انسان فریبکار و نادرست، تو باید مانند شیر قوی و شجاع به خودت تکیه کنی نه این که خودت را مانند روباهی ضعیف و ناتوان نشان دهی.

مفهوم خوداتّکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود)

آرایه **تشبیه:** «مخاطب (درویش)» یک بار به «شیر درنده» تشبیه شده است و یک بار به «روباه شل». | **تضاد:** شیر و روباه | **کنایه:** «خود را انداختن» کنایه از «خود را ضعیف و ناتوان جلوه دادن» است.

یادآوری تشبیه که از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی است، انواعی دارد. در یکی از مهم‌ترین شکل‌های تشبیه، ادات تشبیه حذف می‌شود و تشبیه به صورت یک جملهٔ اسنادی ساخته می‌شود. به این تشبیه «تشبیه فشردهٔ اسنادی» می‌گویند. در مصراع اول شاعر با یک جملهٔ اسنادی مخاطب را به شیر تشبیه کرده‌است. در جمله‌های اسنادی دقت داشته باشید که اگر جمله قابلیت پذیرش کلمهٔ «مانند» را داشته باشد با تشبیه مواجه هستیم:

رستم شیر است: رستم مانند شیر است (تشبیه است).

رستم شجاع است: رستم مانند شجاع است (معنی نمی‌دهد پس تشبیه نداریم).

دستور بیت چهار جمله دارد. در جملهٔ سوم که شبه جملهٔ ندایی است (ای دغل) حذف فعل به قرینهٔ معنایی صورت گرفته است. در سایر جملات فعل امر و نهی دوم شخص مفرد داریم که در همهٔ جملات نهاد (تو) محذوف است. «باش» فعل اسنادی است و «شیر درنده» نقش مسندی دارد.

۱۲ چنان سعی کـن کـز تـو مـانَـد چـو شیر چه باشی چو روبـه به وامـانـده، سیر؟

معنی به گونه‌ای تلاش کن که مانند شیر، از تو برای دیگران روزی به جا بماند نه این که مانند روباه به پسماندهٔ غذای دیگران قانع باشی.

مفهوم خوداتّکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود)

آرایه **تشبیه:** «مخاطب (درویش)» یک بار به «شیر درنده» تشبیه شده است و یک بار به «روباه». | **جناس:** شیر و سیر (ناهمسان) | **تضاد:** شیر و روباه | **نماد:** «شیر» نماد «انسان‌های قوی و متکّی به خود» است و «روباه» نماد «انسان‌های ضعیف».

دستور «چو» در هر دو مصراع حرف اضافه است و «شیر» و «روبه» متمم هستند. «چنان» و «چه» نقش قید دارند. «باشی» فعل اسنادی است و «شیر» مسند است.

۱۳ بخور تا توانی به بازوی خویش — که سَعیَت بود در ترازوی خویش

معنی تا می‌توانی روزی خود را از دست‌رنج و تلاش خودت به دست بیاور، زیرا که نتیجهٔ سعی و تلاش هرکس به او خواهد رسید (کسی جز حاصل تلاش خود را به دست نمی‌آورد).

مفهوم خوداتّکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود) | هرکس نتیجهٔ عمل خودش را به دست می‌آورد.

آرایه **تلمیح:** به آیهٔ ۳۹ سورهٔ نجم ﴿لَیسَ لِلاِنسانِ اِلّا ما سَعی﴾ (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست) اشاره دارد. | **مجاز:** «بازو» مجاز از «قدرت و توان و کار و تلاش» است. | **کنایه:** «در ترازو بودن» کنایه از «حاصل کردن» است و «به بازوی خود خوردن» کنایه از «به خود متّکی بودن».

دستور «که» و «تا» حرف ربط وابسته‌ساز هستند: به بازوی خود بخور (جملهٔ هسته) تا می‌توانی (جملهٔ وابستهٔ ۱) که سعیت در ترازوی خویش بود (جملهٔ وابستهٔ ۲) . فعل «بود» در مصراع دوم غیراسنادی است و معنای «وجود خواهد داشت» می‌دهد.

۱۴ بگیر ای جوان، دست درویش پیر — نه خود را بیفکن که دستم بگیر

معنی ای جوان، به انسان‌های پیر و نیازمند کمک کن، نه این که خودت را ضعیف و ناتوان نشان بدهی که دیگران به تو کمک کنند.

مفهوم از دیگران دست‌گیری کنیم نه این که باری بر دوششان باشیم. (توصیه به تلاش و دست‌گیری از دیگران)

آرایه **تضاد:** جوان و پیر | **کنایه:** «دست کسی را گرفتن» کنایه از «کمک کردن» است و «خود را افکندن» کنایه از «خود را ضعیف و ناتوان نشان دادن». | **تکرار:** دست و بگیر

دستور در جملهٔ «ای جوان» فعل به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است. در سه جملهٔ دیگر نهاد (تو) محذوف است. در هر سه جمله مفعول وجود دارد (به ترتیب دست، خود و دست).

۱۵ خدا را بر آن بنده بخشایش است — که خلق از وجودش در آسایش است

معنی خداوند آن بنده‌ای را مورد لطف و بخشایش خود قرار می‌دهد که مردم از وجود او و کارهای او در آسایش باشند.

مفهوم خدا کسی را مورد رحمت قرار می‌دهد که به مردم خیر می‌رساند.

آرایه **واج‌آرایی:** تکرار صامت / ش /

دستور «را» در مصراع اول «فک اضافه» و فعل «است» غیر اسنادی است: بخشایش خدا (نهاد) بر آن بنده (متمم) است (= وجود دارد) که خلق (نهاد) از وجودش (متمم) در آسایش (مسند) است (فعل اسنادی).

یادآوری گاهی به‌جای مسند، یک گروه متممی می‌آید (مسند با حرف اضافه آمده است) در این مواقع نقش واژهٔ مورد نظر مسند است و ما به نیاز جمله و فعل اسنادی توجه می‌کنیم:

فردوسی، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرا (مسند) است. — فردوسی از بزرگ‌ترین شاعران حماسه‌سرا (مسند) است.

۱۶ کَرَم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

لغت **دون‌همّت:** کوتاه‌همّت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

معنی انسان عاقل و خردمند به دیگران بخشندگی و لطف می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست و فرومایه، بی عقل و خرد هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

مفهوم انسان عاقل و خردمند کریم است. | سست‌عنصری نشان بی‌خردی است.

آرایه **تضاد:** مغز و پوست | **جناس:** سر و در – اوست و پوست (ناهمسان) | **مجاز:** «سر» مجاز از «انسان» است و «مغز» مجاز از «فکر و اندیشه». | **کنایه:** «مغز در سر داشتن» کنایه از «دانایی» و «بی‌مغز بودن» کنایه از «نادانی» است.

دستور «است» در مصراع اول غیر اسنادی است و «مغز» نهاد آن است. «بی‌مغز» و «پوست» هر دو مسند هستند: دون‌همتان (نهاد) بی‌مغز و پوست (مسند) هستند. «واو» در این مصراع حرف عطف است.

۱۷ کسی نیک بیند به هردو سرای — که نیکی رساند به خلقِ خدای

معنی کسی در دنیا و آخرت خیر و نیکی می‌بیند که به مردم خیر برساند و به آن‌ها نیکی کند.

مفهوم کسی که به مردم خیر می‌رساند نیکی می‌بیند (نتیجهٔ عمل هرکس به خودش بازمی‌گردد).

آرایه **استعاره:** «دو سرا» استعاره از «دنیا و آخرت» است.

دستور در گروه اسمی «هر دو سرای»، «سرا» هسته است و «هر» و «دو» هر دو وابستهٔ پیشین هستند.

بررسی تخصّصی ابیات داخل قلمروها[1]

معیار دوستانِ دغل روز حاجت است　　قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

معنی زمان نیازمندی مانند معیار و وسیله‌ای است که دوستان را با آن می‌توان شناخت، برای آزمودن دوستانت از آن‌ها مبلغی را قرض بگیر.

مفهوم در زمان نیازمندی می‌توانیم ارزش دوستان را بشناسیم.

آرایه **تشبیه:** «روز حاجت» به «معیار» تشبیه شده‌است. | **مجاز:** «روز» مجاز از «زمان» است.

صورتِ بی‌صورتِ بی‌حدّ غیب　　ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب

معنی خداوند که صورت و جسم ندارد و وجود او هیچ حد و مرزی ندارد، بر دل موسی (ع) که مانند آینهٔ حقایق است جلوه کرد.

مفهوم دل انسان مانند آینه‌ای است که جلوه‌گاه خداوند است.

آرایه **تشبیه:** «آینهٔ دل» اضافهٔ تشبیهی است. | **تناقض:** صورت بی‌صورت | **جناس:** جیب و غیب (ناهمسان) | **تلمیح:** به وحی شدن به موسی (ع) اشاره دارد.

دستور کل مصراع اول یک گروه اسمی است که نقش نهاد دارد، هستهٔ گروه یعنی «صورت» نهاد است و سه وابستهٔ پسین دارد که دو وابستهٔ اول یعنی «بی‌صورت» و «بی‌حد» صفت هستند و «غیب» مضاف‌الیه است.

فخری که از وسیلت دون‌همّتی رسد　　گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

معنی افتخاری که از جانب یک انسان پست و فرومایه (یا با پستی و دون‌همّتی) برای تو حاصل شود، اگر آبرو داری از آن افتخار دوری کن و آن را عیب و ننگ بدان.

مفهوم افتخاری که به‌وسیلهٔ انسان پستی حاصل شود مایهٔ ننگ است.

آرایه **تناقض:** از فخر عار داشتن | **تضاد:** فخر و عار | **جناس:** دار و عار (ناهمسان) | **ایهام:** دون‌همّتی: ۱- یک شخص دون‌همّت ۲- دون‌همّت بودن

دستور کل بیت یک جملهٔ مرکب است، «از آن فخر، عار دار» جملهٔ هسته یا پایه است، و دو جملهٔ دیگر جمله‌های پیرو یا وابسته هستند. در مصراع دوم «و» میان‌وند است و نام‌وننگ یک واژه است.

گریهٔ شام و سَحَر، شُکر که ضایع نگشت　　قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

معنی شکر خدا می‌گویم که گریه‌های شب و سحرگاه من بیهوده نبود و این قطرات اشک مانند مرواریدی بی‌نظیر شد و به بار نشست.

مفهوم به ثمر نشستن گریه و زاری عاشق | صبر بر سختی کلید کامیابی است.

آرایه **تضاد:** شام و سحر | **استعاره:** «قطرهٔ باران ما» استعاره از «اشک ما» است. | **تشبیه:** قطرهٔ باران (اشک) مانند گوهر (مروارید) شد.

دستور در مصراع اول فعل جملهٔ هسته به قرینهٔ معنوی حذف شده‌است: [من] شکر [می‌گویم] که گریهٔ شام و سحر ضایع نگشت.

منزل حافظ کنون بارگه پادشاست　　دل بر دلدار رفت، جان برِ جانانه شد

معنی منزل حافظ (یا دل حافظ) اکنون محل حضور معشوق است، دلم به دلدارش رسید و جان من نزد معشوق رفت.

مفهوم فرارسیدن دولت وصال

آرایه **تشبیه:** «منزل حافظ» به «بارگاه پادشاه» تشبیه شده‌است. | **استعاره:** «پادشاه» استعاره از «معشوق» است. | **مجاز:** «دل» و «جان» استعاره از «کل وجود» است.

دستور «شد» در مصراع دوم فعل غیراسنادی است و معنی «رفت» می‌دهد.

۱- در امتحان نهایی سال‌های قبل از تمام ابیات و عبارات داخل متن اصلی، قلمروها، گنج حکمت‌ها و روان‌خوانی‌ها سؤالات لغت، املا، مفهوم، آرایه و دستور طرح می‌شد و فقط معنی آن‌ها مورد سؤال قرار نمی‌گرفت. در آزمون نهایی سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ مقرر شد که از متن گنج حکمت‌ها و ... سؤال دستور و آرایه طرح نشود، و فقط سؤال لغت و املا و مفهوم بیاید و از ابیات هر قلمرو نیز فقط سؤال مربوط به آن قلمرو بیاید. اما با توجّه به ثابت نبودن رویهٔ طرح سؤال و با توجه به این نکته که بدون بررسی کامل یک بیت نمی‌توانید فقط در یک قلمرو خاص (زبانی، ادبی یا فکری) آن بیت را مورد بررسی قرار بدهید. تصمیم گرفتیم، این ابیات را هم بررسی کنیم. اما شما در مطالعه این ابیات هدفتان را تسلّط بر مطالب قلمرو مرتبط با آن بیت قرار دهید. در طرح سؤالات به شیوه امتحان نهایی پایبند هستیم و فقط از مطالب مرتبط با آن قلمرو سؤال طرح شده است.

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی　　کاین‌زمانم‌گوش‌برچنگ‌است‌ودل‌درچنگ‌نیست

معنی ای کسی که من را نصیحت می‌کنی، این کار بیهوده را به زمان دیگری بینداز، زیرا اکنون تمام هوش و حواسم به موسیقی است و در این جا حاضر نیستم.

مفهوم پندناپذیری عاشق

آرایه **جناس (همسان):** چنگ (ساز چنگ) و چنگ (دست) | **کنایه:** «گوش بر چیزی بودن» کنایه از «به آن چیز با دقت گوش دادن» است و «در دست نبودن دل» کنایه از «مدهوش و حیران بودن». | **تضاد:** است و نیست | **مراعات‌نظیر:** گوش، دل و چنگ

دستور ضمیر پیوستهٔ «م» در مصراع اول متمم و در مصراع دوم مضاف‌الیه (جهش‌یافته) است: ای [کسی] که به من پند می‌دهی - این زمان گوشم (گوشِ من) بر چنگ است.

رزق هرچند بی‌گمان برسد　　شرط عقل است جُستن از درها

معنی اگرچه یقیناً روزی هرکس به او خواهدرسید، ولی عقل حکم می‌کند که روزی را با تلاش و کوشش جست‌وجو کنیم.

مفهوم روزی بدون تلاش و کوشش حاصل نمی‌شود (از تو حرکت از خدا برکت).

سحر دیدم درخت ارغوانی　　کشیده سر به بام خسته‌جانی
به گوش ارغوان آهسته گفتم:　　بهارت خوش که فکر دیگرانی

معنی درخت ارغوانی را دیدم که سایه‌اش را بر سر یک انسان خسته و ناتوان کشیده‌است، به او گفتم همیشه شاداب و جوان باشی چون همیشه به فکر نیکی کردن به دیگران هستی.

مفهوم کسی که به دیگران خیر می‌رساند، نیکی او به او بازخواهد گشت.

آرایه **تشخیص:** به گوش ارغوان سخن گفتن

چه در کار و چه در کارآزمودن　　نباید جز به خود، محتاج بودن

معنی در همهٔ کارها و در همهٔ حالات جز به خودت نباید به شخص دیگری تکیه کنی.

مفهوم خوداتّکایی (در همه حال فقط به خود و نیروی خود تکیه کردن)

گنج حکمت - همّت

خلاصهٔ درس: در گنج حکمت «همّت» که از کتاب «بهارستان» جامی انتخاب شده است بر این مطلب تأکید شده که توان و نیروی واقعی هر شخص به زور بازو و جثّه واندام او نیست، بلکه همّت و ارادهٔ هر شخص توان او را نشان می‌دهد.

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجّب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

معنی موری را دیدند که با قدرت و با ارادهٔ محکم، ملخی را که ده برابر او وزن داشت، برداشته است. با تعجّب گفتند: به این مور نگاه کنید که باری به این سنگینی را چگونه حمل می‌کند.

آرایه **کنایه:** «کمربستن» کنایه است از «ارادهٔ انجام کاری کردن».

دستور «چون» (بر وزن خون) در جملهٔ پایانی به معنی «چگونه» است و نقش قید دارد.

مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی حمیّت کشند، نه به قوّت تن.»

لغت **حمیّت:** غیرت، جوانمردی، مردانگی

معنی مور وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: «انسان‌ها بار را به‌خاطر همّت و ارادهٔ خود حمل می‌کنند نه به‌دلیل زور بازو و قدرت جسمشان».

مفهوم همّت و غیرت از زور بازو و توان جسمانی مهم‌تر و ارزشمندتر است.

کارگاه متن‌پژوهی[1]

قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- معیار دوستانِ دغل روز حاجت است — قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب — صائب
- صورتِ بی‌صورتِ بی‌حدّ غیب — ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب — مولوی
- فخری که از وسیلت دون‌همّتی رسد — گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار — اوحدی

دغل: ناراست، حیله‌گر | جیب: گریبان، یقه | دون‌همّت: کوتاه‌همّت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

۲ برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه‌ای در متن درس بیابید.

- پیوندهای هم‌پایه‌ساز:

شد و تکیه بر آفریننده کرد

- پیوندهای وابسته‌ساز:

در این بود درویش شوریده‌رنگ — که شیری برآمد شغالی به چنگ
چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش — ز دیوار محرابش آمد به گوش
بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش

۳ معنی فعل «شد» را در سرودهٔ زیر بررسی کنید.

گریهٔ شام و سَحَر، شُکر که ضایع نگشت — قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
منزل حافظ کنون بارگه پادشاست — دل برِ دلدار رفت، جان برِ جانانه شد — حافظ

«شد» در بیت اول اسنادی است و «گوهر یکدانه» مسند است، «شد» در بیت دوم غیر اسنادی است و به معنی «رفت» است.

۴ برای دریافت معانی واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دو روشی که در کتاب نوشته شده‌است، نمونه‌های مناسب بنویسید.

- معانی مختلف دست: ۱- عضو بدن ۲- واحد شمارش بعضی اجناس

پارسا دستش را بر زمین گذاشت و برخاست: دست عضو بدن است و به دلیل قرار گرفتن در جمله معنی آن مشخص شده است.

دست و بدن: عضو بدن، به دلیل رابطهٔ تضمن

دست و جین: واحد اندازه‌گیری، به دلیل رابطهٔ ترادف

- معانی مختلف تند: ۱- سریع ۲- طعم تند و سوزنده ۳- خشمگین ۴- شدید

آفتاب خیلی تند بود و چشممان را می‌زد: به معنی شدید است و از معنی جمله به معنی آن پی می‌بریم.

تند و کند: سریع، با رابطهٔ تضاد — تند و شور: مزهٔ تند، رابطهٔ تناسب

تند و عصبانی: خشمگین، رابطهٔ ترادف

قلمرو ادبی

۱ از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

زنخدان به جیب بردن: کنایه از گوشه‌نشینی و تفکّر است.

میانداز خود را: خودت را به ضعیفی نزن.

۲ در بیت زیر، شاعر چگونه آرایهٔ جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی — کاین‌زمانم‌گوش‌برچنگ‌است‌ودل‌درچنگ‌نیست — سعدی

«چنگ» اول به معنی «ساز چنگ» است و «چنگ» دوم به معنی «دست»، به کار بردن واژه‌ای در دو معنی متفاوت در یک بیت جناس همسان یا تام ایجاد می‌کند.

۳ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخّص کنید.

چه باشی چو روبه به وامانده سیر: [تو]: مشبّه | چو: ادات تشبیه | روبه: مشبه‌به | به وامانده سیر بودن: وجه شبه

۴ در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

«شیر» نماد انسان‌هایی است که به توان و قدرت خود تکیه می‌کنند و «روباه» نماد انسان‌هایی است که خود را به ناتوانی می‌زنند و طفیلی و وابسته هستند.

۱- کتاب درسی بعد از هر درس سؤالاتی از مطالب درس در سه بخش قلمرو زبانی، قلمرو ادبی و قلمرو فکری مطرح کرده‌است که گاهی خود این سؤالات و گاهی سؤالاتی کاملاً مشابه با این سؤالات در امتحان نهایی دیده می‌شود. لازم است پیش از هرچیز به این سؤالات پاسخ دهیم. ما این سؤالات را همراه با پاسخ آن‌ها در اینجا می‌آوریم.

قلمرو فکری

۱) معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

انسان عاقل و خردمند به دیگران بخشندگی و لطف می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست و فرومایه، بی‌عقل و خرد هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

۲) درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد　　شد و تکیه بر آفریننده کرد

مرد درویش با دیدن ماجرای روباه بی‌دست‌وپا به این یقین رسید که خدا روزی‌رسان است و از آن پس به روزی‌رسانی خدا تکیه کرد. پس مفهوم این بیت «توکل کردن به روزی‌رسانی خداوند» است.

۳) برای مفهوم هریک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

الف) رزق هرچند بی‌گمان برسد　　شرط عقل است جستن از درها　سعدی

بیت ۱۱: برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل

و بیت ۱۲: چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) سحر دیدم درخت ارغوانی　　کشیده سر به بام خسته‌جانی　فریدون مشیری

به گوش ارغوان آهسته گفتم:　　بهارت خوش که فکر دیگرانی

بیت ۱۷: کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

ج) چه در کار و چه در کارآزمودن　　نباید جز به خود، محتاج بودن　پروین اعتصامی

بیت ۱۳: بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

۴) دربارهٔ ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

نتیجه‌گیری نهایی سعدی از داستان این است که درست است خدا روزی را می‌رساند اما به شرط آن که تلاش و حرکت از جانب بنده صورت گیرد یعنی «از تو حرکت، از خدا برکت».

سؤالات تشریحی

قلمرو زبانی

لغت

۳۵) معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ　　که شیری برآمد شغالی به چنگ

ب) زنخدان فروبرد چندی به جیب　　که بخشنده روزی فرستد ز غیب

ج) برو شیر درّنده باش، ای دغل　　مینداز خود را چو روباه شل

۳۶) هر کدام از توضیحات زیر مربوط به چه کلمه‌ای است؟

الف) نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.

ب) جانور پستانداری از تیرهٔ سگان که جزو رستهٔ گوشتخواران است.

۳۷) مترادف واژه‌های «خوراک، چانه» را در ابیات زیر پیدا کنید. (یک بیت اضافه است.)

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش　　که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب　　که بخشنده روزی فرستد ز غیب

ج) دگر روز باز اتّفاق اوفتاد　　که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۳۸) در ابیات زیر کلماتی را پیدا کنید که متضاد «سعادتمند، آشکار، حیله‌گر» باشند. (یک کلمه اضافه است.)

الف) زنخدان فرو برد چندی به جیب　　که بخشنده روزی فرستد ز غیب

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد　　بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

۳۹ **معادل درست توضیحات زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.**

الف) دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه (دغل - دون‌همّت)

ب) عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند. (محراب - غیب)

۴۰ **از بین واژه‌های زیر یک برابر معنایی برای واژه‌های «جای ایستادن در نماز، جوانمردی، دست و پای از کارافتاده» بیابید.**

«همّت، صنع، فروماندن، شل، تیمار، دغل، حمیّت، دون‌همت، محراب، قوت، درویش»

املا

۴۱ **در هر کدام از ابیات زیر یک «غلط املایی» بیابید و درست آن را بنویسید.**

الف) یکی روبهی دید بی‌دست‌وپای — فروماند در لطف و صنع خدای

ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش — ز دیوار مهرابش آمد به گوش

ج) فخری که از وسیلت دون‌همّتی رسد — گر نام و ننگ داری از آن فخر آر دار

۴۲ **املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب نمایید.**

الف) معیار دوستان دغل روز حاجت است — (قرضی - غرضی) به رسم تجربه از دوستان طلب

ب) مردان، بار را به بازوی (حمیّت - همیّت) کشند نه به قوت تن.

۴۳ **در کدام یک از ابیات زیر «غلط املایی» وجود دارد؟ شکل درست آن را بنویسید.**

الف) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

ب) ذنخدان فرو برد چندی به جیب — که بخشنده روزی فرستد ز غیب

ج) برو شیر درّنده باش، ای دغل — میندار خود را چو روباه شل

۴۴ **در کدام بیت کلمه‌ای وجود دارد که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد؟ آن واژه را مشخّص کنید.**

الف) شغال نگون‌بخت را شیر خورد — بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

ب) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد — گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار

ج) رزق هر چند بی‌گمان برسد — شرط عقل است جستن از درها

دستور زبان

۴۵ **در ابیات زیر نقش کلمات مشخّص‌شده را بنویسید.**

الف) یکی روبهی دید بی‌دست‌وپای — فروماند در لطف و صنع خدای

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد — بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

۴۶ **در ابیات زیر نقش کلمات مشخّص‌شده را بنویسید.**

الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۴۷ **در ابیات زیر «جمله‌های مرکب» را مشخّص کنید.**

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ — که شیری برآمد شغالی به چنگ

ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش — ز دیوار محرابش آمد به گوش

۴۸ **در ابیات زیر «حرف ربط وابسته‌ساز» و «جملهٔ وابسته» را مشخّص کنید.**

الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) فخری که از وسیلت دون‌همّتی رسد — گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

۴۹ **در ابیات زیر، مشخّص‌کنید، کلمهٔ مشخص‌شده «پیوند وابسته‌ساز» است یا «پیوند هم‌پایه‌ساز».**

الف) دگر روز باز اتفاق اوفتاد — که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) یقین، مرد را دیده بیننده کرد — شد و تکیه بر آفریننده کرد

۵۰ **در بیت زیر حرف ربط را مشخّص کنید و نوع آن را بنویسید.**

گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت — قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

۵۱ **با توجه به بیت زیر درستی یا نادرستی هر کدام از موارد زیر را مشخص کنید.**

نـه بیگانه تیمار خـوردش نـه دوسـت　　چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

الف) در مصراع دوم «چو» پیوند وابسته‌ساز است.　　☐ درست　☐ نادرست

ب) «بیگانه» و «رگ» هم نقش هستند.　　☐ درست　☐ نادرست

ج) هر دو «و» حرف عطف هستند.　　☐ درست　☐ نادرست

۵۲ **نقش دستوری «ضمیر پیوسته» را در ابیات زیر بنویسید.**

الـف) دگـر روز بـاز اتـفـاق اوفـتـاد　　کـه روزی‌رسـان قـوت روزش بـداد

ب) نـه بیگانه تیمار خـوردش نه دوست　　چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۵۳ **در ابیات زیر «ضمیر پیوسته» را مشخّص کنید و نقش دستوری آن را بنویسید.**

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش　　ز دیـوار مـحـرابـش آمـد بـه گـوش

ب) بـخـور تـا تـوانـی بـه بـازوی خویش　　کـه سعیت بـود در تـرازوی خویش

۵۴ **در کدام یک از ابیات زیر «حذف فعل» صورت گرفته‌است؟ نوع حذف را بنویسید.**

الـف) بـرو شیر درّنـده بـاش، ای دغل　　مـیـنـداز خـود را چـو روبـاه شل

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر　　چـه باشی چـو روبـه بـه وامـانـده سیر؟

۵۵ **معنی واژه‌های مشخّص‌شده را در ابیات زیر بنویسید و بیان کنید به چه علّت به این معنی رسیدید (با توجه به روابط واژگان یا قرارگرفتن واژه در جمله).**

الـف) در ایـن بـود درویـش شوریده‌رنگ　　کـه شـیـری بـرآمـد شـغـالـی بـه چنگ

ب) شـغـال نگون‌بخت را شیر خـورد　　بماند آنـچـه روبـاه از آن سیر خـورد

۵۶ **در هر یک از موارد زیر بنویسید که چه رابطه‌ای بین واژگان وجود دارد.**

الف) نرگس و سوسن:　　**ب)** سیاره و مشتری:

ج) غم و شادی:　　**د)** جیب و گریبان:

۵۷ **رابطهٔ واژگان در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟**

۱) شغال و روباه　　**۲)** چنگ و نای

۳) زنخدان و چنگ　　**۴)** قوت و خوراک

۵۸ **در ابیات زیر واژه‌هایی را بیابید که بین آن‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد که در کمانک جلوی آن نوشته شده‌است.**

الف) نه بیگانه تیمار خـوردش نه دوست　　چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (تضاد)

ب) سـحـر دیـدم درخـت ارغـوانـی　　کـشـیـده سـر بـه بـام خسته‌جانی (تضمن)

۵۹ **در ابیات زیر مشخص کنید آیا رابطهٔ داخل کمانک بین کلمات بیت برقرار است یا خیر.**

الـف) کـه چـون زندگانی بـه سـر می‌برد　　بدین دسـت و پـای از کجا مـی‌خـورد؟ (تناسب)

ب) بـخـور تـا تـوانـی بـه بـازوی خویش　　کـه سعیت بـود در تـرازوی خویش (تضمن)

۶۰ **در ابیات زیر «اسنادی» یا «غیر اسنادی» بودن افعال مشخّص‌شده را بررسی کنید.**

الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر　　چـه باشی چـو روبـه بـه وامـانـده سیر؟

ب) معیار دوستان دغل روز حاجت است　　قرضی به رسم تجربه از دوسـتـان طلب

۶۱ **در ابیات زیر مشخّص‌کنید در هر کدام از مصراع‌ها «فعل اسنادی» وجود دارد یا خیر.**

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است　　کـه خلق از وجـودش در آسـایـش است

ب) کـرم ورزد آن سر که مغزی در اوست　　کـه دون‌هـمّـتـانـنـد بـی‌مـغـز و پوست

۶۲ **مشخص کنید افعال پایان هر مصراع «اسنادی» هستند یا «غیر اسنادی»؟**

الف) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت　　قـطـرهٔ بـاران مـا گـوهـر یـکـدانـه شد

ب) مـنـزل حافظ کنون بارگه پادشاست　　دل بر دلـدار رفـت، جـان بر جانانه شد

قلمرو ادبی

آرایه‌های ادبی

۶۳ مشخّص کنید در هر یک از ابیات زیر، کدام آرایهٔ ادبی داخل کمانک وجود دارد.

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور — که روزی نخوردند پیلان به زور (تضاد - اغراق)

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (جناس - تناقض)

۶۴ آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش (تشبیه - مجاز - اغراق)

ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب — که بخشنده روزی فرستد ز غیب (استعاره - کنایه - تشخیص)

۶۵ در هر کدام از ابیات زیر بررسی کنید، آرایهٔ داخل کمانک در آن بیت وجود دارد یا خیر.

الف) یکی روبهی دید بی‌دست و پای — فروماند در لطف و صنع خدای (جناس)

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (ایهام تناسب)

۶۶ کاربرد آرایهٔ «مجاز» را در بیت زیر نشان دهید.

کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۶۷ در ابیات زیر «ارکان تشبیه» را مشخص کنید.

الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

ب) کز این پس به کنجی نشینم چو مور — که روزی نخوردند پیلان به زور

۶۸ در بیت زیر کلمهٔ «بازو» کدام آرایهٔ ادبی ..... را ایجاد کرده‌است.

بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش

۶۹ غیر از آرایه‌های «کنایه» و «واج‌آرایی» یک آرایهٔ مشترک در ابیات زیر بنویسید.

الف) بگیر ای جوان دست درویش پیر — نه خود را بیفگن که دستم بگیر

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۷۰ آرایهٔ مشترک ابیات زیر «تضاد» است یا «جناس»؟

الف) دگر روز باز اتّفاق اوفتاد — که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۷۱ در کدام یک از ابیات زیر آرایهٔ «تلمیح» دیده می‌شود؟

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۷۲ در بیت زیر کدام واژه «استعاره» دارد؟

کسی نیک بیند به هر دو سرای — که نیکی رساند به خلق خدای

۷۳ در ابیات زیر آرایهٔ «جناس» را نشان دهید.

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش — ز دیوار محرابش آمد به گوش

ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی — کاین‌زمانم گوش‌برچنگ‌است‌ودل‌درچنگ‌نیست

۷۴ در بیت زیر کدام کلمات آرایهٔ «جناس» ایجاد کرده‌اند؟ نوع جناس را بنویسید.

کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۷۵ هر کدام از ابیات را به آرایهٔ مربوط به آن وصل کنید. (یک آرایه اضافه است.)

الف	ب
الف) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست	☐ تشبیه
ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش — ز دیوار محرابش آمد به گوش	☐ جناس
	☐ مجاز

تاریخ ادبیات

۷۶ نام پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید.

● بوستان: ● بهارستان:

۷۷ درستی و نادرستی هر کدام از موارد زیر را بررسی کنید.

الف) «بوستان» و «بهارستان» هر دو منظوم هستند. ☐ درست ☐ نادرست

ب) «بهارستان» محتوای تعلیمی دارد و درون‌مایهٔ «بوستان» غنایی است. ☐ درست ☐ نادرست

قلمرو فکری

معنی شعر و نثر

۷۸ ابیات زیر را به فارسی روان بازنویسی کنید.

الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش

۷۹ ابیات زیر را به فارسی روان بازنویسی کنید.

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

درک مطلب

۸۰ مفهوم هر کدام از ابیات زیر را بنویسید.

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۸۱ مفهوم هر کدام از ابیات زیر را بنویسید.

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است

ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین‌زمانم گوش‌برچنگ‌است‌ودل‌درچنگ‌نیست

۸۲ کدام گزینه بیانگر مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» است؟

الف) چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن

ب) رزق هرچند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها

با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور

ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است

ج) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

د) کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

هـ) چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود، محتاج بودن

۸۳ کدام ابیات با هم تقابل مفهومی دارند؟

۸۴ در کدام بیت بر این نکته تأکید شده‌است که «نتیجهٔ عمل هرکس به خودش بازمی‌گردد»؟

۸۵ در کدام بیت «بخشندگی و کرم» با «عقل و خرد» مرتبط دانسته شده‌است؟

۸۶ در این ابیات چه چیزی نماد «گوشه‌نشینی و تلاش نکردن» برای روزی است؟

۸۷ مقصود شاعر از «روزی نخوردند پیلان به زور» چیست؟

۸۸ با توجه به این ابیات خدا چه کسی را مورد «عنایت و بخشایش» خود قرار می‌دهد؟

۸۹ مفهوم بیت «معیار دوستان دغل روز حاجت است / قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب» کدام است؟

الف) دوستان نادرست فقط در روز نیازمندی از دوستان خود یاد می‌کنند.

ب) در روز گرفتاری می‌توان دوستان واقعی را شناخت.

۹۰ **مفهوم اصلی کدام بیت «تکیه کردن بر زور بازوی خود» است؟**

الف) خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است

ب) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

سؤالات مهارت

۹۱ **در کلمات زیر واژگان مترادف را پیدا کنید و بنویسید. چند واژه هیچ مترادفی ندارند؟**

باغیرت، ناجوانمرد، توانایی، حیله‌گر، غیرت، رزق روزانه، نوعی جامه، جوانمردی، گریبان، یقه، اراده، غذا، ناراست، خوراک، مردانگی

دغل: **قوت:** **جیب:** **حمیّت:**

۹۲ **مترادف واژه‌های «پنهان، چانه، شوریده‌رنگ» را در ابیات زیر پیدا کنید (یک بیت اضافه است).**

الف) بلبل آشفته‌حال از سر مستی بنال / موسم هجران گذشت، نوبت وصل است و حال

ب) ز سرّ غیب کس آگاه نیست قصّه مخوان / کدام محرم دل ره در این حرم دارد

ج) ای فروغ ماهِ حُسن از روی رخشان شما / آب روی خوبی از چاه زنخدان شما

د) ز جیب خاور نمود روی مُنیر، آفتاب / بر آسمان شد بلند، خیمهٔ زرین طناب

۹۳ **در کدام گزینه کلمه‌ای وجود دارد که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» است؟**

۱) دگر روز باز اتّفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد

۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۳) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است / قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

۹۴ **در ابیات زیر «جملات وابسته» را مشخّص کنید.**

الف) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش

ب) رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها

ج) کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

۹۵ **در برابر هر بیت تعداد «جملات وابسته» را بنویسید.**

الف) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد / گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار .....

ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ .....

۹۶ **در ابیات زیر نوع «و» را بررسی کنید.**

الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

ج) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد / گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار

۹۷ **طریقهٔ فهمیدن معنی مورد نظر از واژهٔ مشخص شده در کمانک جلوی کدام ابیات درست و کدام نادرست است؟**

الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (قرار گرفتن در جمله)
☐ درست ☐ نادرست

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (رابطهٔ تناسب)
☐ درست ☐ نادرست

ج) دگر روز باز اتفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد (قرار گرفتن در جمله)
☐ درست ☐ نادرست

۹۸ **در کدام گروه واژه، رابطهٔ معنایی واژه‌ها، با سایر گروه‌ها، متفاوت است؟** «ریاضی ۹۹»

۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده

۲) تفوّق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح

۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی

۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته‌سیاه - پادگان و سرباز

۹۹ **در هر کدام از ابیات زیر واژه‌هایی بیابید که بین آن‌ها رابطه‌ای که داخل کمانک نوشته شده‌است وجود داشته باشد.**

الف) پست و بلند پیش نسیم خزان یکی است — چون تاک بر درخت دویدن چه فایده (تضمّن)

ب) خوار کن خلق را به جاه و به چیز — تا بمانی به چشم خلق عزیز (تضاد)

ج) سر برنکرد پاک‌نهادی ز جیب خاک — گیتی سری سزای گریبان نداشته‌است (ترادف)

د) ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است — حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است (تناسب)

۱۰۰ **فعل‌های «اسنادی» را در ابیات زیر مشخص کنید.**

الف) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است — که خلق از وجودش در آسایش است

ج) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست — که دون‌همّتانند بی‌مغز و پوست

۱۰۱ **در کدام گزینه «فعل اسنادی» دیده نمی‌شود؟**

۱) به ترتیبی نهاده وضع عالم — که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۲) خرد را گر نبخشد روشنایی — بماند تا ابد در تیره رایی

۳) برو شیر درنده باش، ای دغل — میندار خود را چو روباه شل

۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است — قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

۱۰۲ **در ابیات زیر کلماتی را که نقش «مسند» دارند، مشخّص کنید.**

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است — که خلق از وجودش در آسایش است

۱۰۳ **در کدام گزینه حذف فعل دیده نمی‌شود؟**[1]

۱) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۲) بگیر ای جوان دست درویش پیر — نه خود را بیفکن که دستم بگیر

۳) کرم ورزد آن سر که مغزی در او است — که دون همانند بی‌مغز و پوست

۴) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت — قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

۱۰۴ **نقش کلمات مشخّص‌شده در هر بیت را بنویسید.**

الف) یقین، مرد را دیده بیننده کرد — شد و تکیه بر آفریننده کرد ..... و .....

ب) در این بود درویش شوریده‌رنگ — که شیری برآمد شغالی به چنگ ..... و .....

ج) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ ..... و .....

د) دگر روز باز اتفاق اوفتاد — که روزی‌رسان قوت روزش بداد ..... و .....

۱۰۵ **در کدام گزینه «قید» وجود ندارد؟**

۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد — بماند آنچه روباه از آن سیر خورد

۲) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر — چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۳) کسی نیک بیند به هر دو سرای — که نیکی رساند به خلق خدای

۴) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست — دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

۱۰۶ **در هر کدام از ابیات زیر «قیدها» را مشخّص کنید.**

الف) دگر روز باز اتفاق اوفتاد — که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب — که بخشنده روزی فرستد ز غیب

۱- در مباحث دستور زبان و آرایه، تمرین و تکرار مطالب بسیار مهم است و راهی جز تمرین و تکرار برای رسیدن به تسلط بر این مباحث وجود ندارد. برای همین لازم است نکات دستوری مهم در تمام درس‌ها بررسی شوند. ما در سؤالات هر درس در دو سطح متفاوت ابتدا مطالب دستوری را که در آن درس مطرح شده‌است مورد پرسش قرار می‌دهیم، سپس با استفاده از ابیات و عبارات همان درس مطالب دستوری را که قبلا آموخته‌اید مورد بررسی قرار می‌دهیم. در سؤالات مهارت سطح سؤالات دشوارتر است و گاهی از سؤالات تستی هم استفاده می‌شود که باید بدانید سهم قابل توجهی از سؤالات دشوار امتحان نهایی را سؤالات تستی به خود اختصاص می‌دهد.

۱۰۷ هر کدام از ابیات ستون (الف) را به آرایهٔ مناسب در ستون (ب) به‌گونه‌ای وصل کنید، که هیچ بیت یا آرایه‌ای خالی نماند.

الف		ب
الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست	☐ تلمیح
ب) بخور تا توانی به بازوی خویش	که سعیت بود در ترازوی خویش	☐ ایهام تناسب
ج) رزق هر چند بی‌گمان برسد	شرط عقل است جستن از درها	☐ جناس

۱۰۸ هر کدام از ابیات ستون (الف) را به آرایهٔ مناسب در ستون (ب) وصل کنید. (ممکن است هر کدام از ابیات بیش از یک آرایه از ستون (ب) را داشته باشند.)

الف		ب
الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست	☐ مجاز
ب) برو شیر درنده باش، ای دغل	میانداز خود را چو روباه شل	☐ تشخیص
ج) بخور تا توانی به بازوی خویش	که سعیت بود در ترازوی خویش	☐ تشبیه
د) کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای	☐ استعاره

۱۰۹ در هر کدام از ابیات زیر «وجه شبه» را مشخّص کنید.

الف) برو شیر درنده باش، ای دغل — میانداز خود را چو روباه شل

ب) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست — چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۱۱۰ مفاهیم نسبت داده شده به کدام ابیات درست و کدام ابیات نادرست است؟

الف) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست — دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد (فرارسیدن مرگ و رسیدن به دیدار خداوند)

ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای — که نیکی رساند به خلق خدای (انسان نیک، همواره نیکی می‌بیند)

ج) بگیر ای جوان دست درویش پیر — نه خود را بیفکن که دستم بگیر (اغتنام جوانی و نیروی جوانی)

د) کز این پس به کنجی نشینم چو مور — که روزی نخوردند پیلان به زور (کسب روزی نیاز به زور و تلاش ندارد)

هـ) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب — ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب (جلوهٔ خداوند در تمام عالم هستی)

۱۱۱ مفهوم بیت «دلیل آن که تو را از خدای نیک افتاد / بس است خلق جهان را که از تو نیک افتاد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش — که سعیت بود در ترازوی خویش

ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است — که خلق از وجودش در آسایش است

۱۱۲ مفهوم «مرغ دست‌آموز روزی بی‌نیاز است از طلب / در تلاش این شکار رام دست و پا مزن» با مفهوم کدام بیت تقابل دارد؟

الف) کز این پس به کنجی نشینم چو مور — که روزی نخوردند پیلان به زور

ب) رزق هر چند بی‌گمان برسد — شرط عقل است جستن از درها

۱۱۳ مفاهیم «تجلّی خدا بر قلب انسان، خودانّکایی، توکّل، پندناپذیری عاشق» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

الف) چه در کار و چه در کارآزمودن — نباید جز به خود محتاج بودن

ب) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

ج) یقین، مرد را دیده بیننده کرد — شد و تکیه بر آفریننده کرد

د) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب — ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب

۱) ج، الف، د، ب — **۲)** ج، الف، ب، د

۳) د، الف، ب، ج — **۴)** د، الف، ج، ب

آزمون ۲ - پایان نوبت اوّل

صفحات پاسخ: ۳۲۵ تا ۳۲۶

در این قسمت دو آزمون کاملاً استاندارد از مطالب ترم اول آورده‌ایم تا هم خودتان را محک بزنید هم مطالب ترم اول برای شما مرور شود. در پاسخ هم مانند امتحان نهایی بارم هر سؤال خرد شده است تا نمرهٔ خودتان را به صورت دقیق حساب کنید.

امتحان نهایی: **فارسی ۲**	رشته: همهٔ رشته‌ها	تألیفی	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**

ردیف	سؤالات	نمره
	قلمرو زبانی (۷ نمره)	
۱	**در ابیات زیر، برای هر یک از واژه‌های «گلزار» و «گریبان» یک معادل معنایی بیابید و بنویسید.** **زنخدان فروبرد چندی به جیب — که بخشنده روزی فرستد ز غیب** **نادره کبکی به جمال تمام — شاهد آن روضهٔ فیروزه‌فام**	۰/۵
۲	**معنی واژهٔ مشخّص‌شده را بنویسید.** **«من چون این حکایت‌ها را می‌شنیدم و می‌خواندم و عکس‌ها را می‌دیدم، لبریز می‌شدم. سراچهٔ ذهنم آماس می‌کرد.»**	۰/۲۵
۳	**کدام معنی از واژهٔ «کران» در عبارت «و روز دوشنبه امیرمسعود شبگیر، برنشست و به کران رود هیرمند رفت» برنمی‌آید؟** **الف)** ساحل **ب)** طرف **ج)** دشت **د)** جانب	۰/۲۵
۴	**در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد «نادرستی املایی» وجود دارد؛ شکل درست هریک را بنویسید.** **التهاب و برافروختگی - اذن و خواست - مهمل و کجاوه - متلألئ و درخشان - شیر آغوز - تحنیت و شادباش - مسرور و شادمان - مخنقه و عقد - ادبار و اقبال**	۰/۵
۵	**در هر کدام از عبارات زیر کلمه‌ای پیدا کنید که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» باشد.** **الف)** سربازان و فرماندهان را پیش از آنکه حکم و سفارش حاکمان و خان‌ها در این مکان گرد آورده باشد، عشق به میهن به اینجا کشانده بود. **ب)** چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.	۰/۵
۶	**در عبارات زیر «غلط‌های املایی» را بیابید. (یک عبارت فاقد غلط املایی است).** **الف)** اهل قونیه، از خورد و بزرگ، در تشییع پیکر مولانا و خاک‌سپاری، حاضر شدند و همدردی کردند و بسیار گریستند. **ب)** بعدها اگر به خود جرعت دادم که چیزهایی بنویسم، از همین آموختن سر خود و ره‌نوردی تنهاوش بود. **ج)** تو خیلی باهوش و صاحب ذوق و قریحه هستی و می‌توانی بالبداهه از امیر معزّی تقلید کنی.	۰/۵
۷	**کدام عبارت فاقد «غلط املایی» است؟** **الف)** سپیدهٔ فردای گنجه با نهیب و سفیر گلوله‌های توپ روس، باز شد. **ب)** و روز پنج شنبه، امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و صرصامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد. **ج)** حق تعالی عزرائیل را بفرمود: «برو؛ اگر به طوع و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار برگیر و بیاور.» **د)** هر عصب و فکر به منبع بی‌شاعبهٔ ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیّت الهی می‌پذیرفت.	۰/۵
۸	**در عبارت زیر، یک «پیوند هم‌پایه‌ساز» و یک «پیوند وابسته‌ساز» بیابید.** **«پس از غیبت شمس، شاگردان به مولانا این‌گونه خبر دادند که شمس کشته شد ولی دلش بر درستی این خبر گواهی نمی‌داد.»**	۰/۵
۹	**در کدام یک از ابیات زیر فعل مشخّص شده اسنادی است؟** **الف)** کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟ — چرا به دانهٔ انسانت این گمان باشد؟ **ب)** نهان می‌گشت روی روشن روز — به زیر دامن شب در سیاهی	۰/۲۵
۱۰	**جملهٔ زیر را مجهول کنید.** **«مریدان و شاگردان مولانا شمس را جادوگر خوانده‌بودند.»**	۰/۵
۱۱	**در هر کدام از ابیات زیر «وابسته‌های پیشین» را مشخّص کنید و نوع آن را بنویسید.** **الف)** هر روز خنیده‌نام‌تر گشت — در شیفتگی تمام‌تر گشت **ب)** دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد — پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن **ج)** به ترتیبی نهاده وضع عالم — که نی یک موی باشد بیش و نی کم	۰/۷۵

ردیف	سؤالات	نمره
۱۲	**نقش دستوری واژهٔ مشخّص‌شده در کدام گزینه متفاوت است؟** **الف)** دگر روز باز اتّفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد **ب)** چه اندیشید آن دم کس ندانست / که مژگانش به خون دیده تر شد **ج)** چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار / از آن دریای بی‌پایاب آسان **د)** مجنون چو حدیث عشق بشنید / اوّل بگریست پس بخندید	۰/۲۵
۱۳	**در عبارت زیر «وابسته‌های پیشین» خواسته شده را بیابید.** **«جلال‌الدین، در هجده سالگی به فرمان پدر با «گوهر خاتون» سمرقندی ازدواج کرد. پس از این جلال‌الدّین مدّتی در شهر حلب به تحصیل علوم پرداخت و سپس عازم دمشق شد و بیش از چهار سال در آن ناحیه، دانش می‌اندوخت و معرفت می‌آموخت.»** **صفت اشاره:** **صفت شمارشی:**	۰/۵
۱۴	**در عبارت زیر «نقش‌های تبعی» را پیدا کنید و نوع هر کدام را بنویسید.** **آن چه بود؟ گوهر محبّت بود که در صدف امانتِ معرفت تعبیه کرده بودند. هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود، و به خزانه‌داری آن، جان آدم شایسته بود. ملایکهٔ مقرّب، هیچ کس آدم را نمی‌شناختند. یک‌به‌یک بر آدم می‌گذشتند و می‌گفتند: «آیا این چه نقش عجیبی است که می‌نگارند؟»**	۰/۵
۱۵	**در کدام یک از ابیات زیر «شیوهٔ بلاغی» دیده می‌شود؟ آن را مرتّب کنید.** **الف)** شغال نگون‌بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد **ب)** چون موسم حج رسید برخاست / اشتر طلبید و محمل آراست	۰/۵
۱۶	**در کدام گزینه «شاخص» دیده می‌شود؟** **الف)** زندگانی خداوند دراز باد؛ حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است و خواجه با امیر به غزوها بوده است و من نبوده‌ام. **ب)** پس از نماز، کس فرستاد و قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند و بیامدند. بونصر، پیغام امیر به قاضی رسانید. **ج)** آوازهٔ بهاء ولد همه‌جا را فراگرفت و پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت، طالب دیدار وی گردید. **د)** این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، که هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.	۰/۲۵
	قلمرو ادبی (۵ نمره)	
۱۷	**در هر کدام از ابیات زیر آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.** **الف)** به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنجِ معنی در بیان‌ها (حس‌آمیزی - حسن تعلیل) **ب)** مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست پس بخندید (تناقض - تضاد)	۰/۵
۱۸	**در هریک از موارد زیر، باتوجه به بخش‌های مشخّص‌شده، کدام آرایهٔ ادبی دیده می‌شود؟** **الف)** ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک / خدا داند چه افسرها که رفته **ب)** کدام دانه فرورفت در زمین که نرست / چرا به دانهٔ انسانت این گمان باشد؟	۰/۵
۱۹	**در ابیات زیر غیر از آرایه‌های «مراعات نظیر، کنایه و واج‌آرایی»، آرایهٔ ..... مشترک است.** **الف)** وگر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای **ب)** به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید / نهان می‌گشت پشت کوهساران	۰/۵
۲۰	**در ابیات زیر، «مشّبه‌به» کدام است؟** **الف)** به خوناب شفق در دامن شام / به خون‌آلوده ایران کهن دید **ب)** در آن سیماب‌گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید	۰/۵
۲۱	**در جدول زیر هر بیت ستون (الف) را به آرایهٔ متناسب به آن در ستون (ب) وصل کنید. (یک آرایه اضافه است)**	۰/۷۵

الف	ب
الف) فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ / به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران	☐ استعاره
ب) ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست	☐ حسن تعلیل
ج) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی	☐ جناس
	☐ تشبیه

آزمون ۵ - آزمون جامع (۱)

صفحات پاسخ: ۳۲۷ تا ۳۲۸

در این قسمت پنج آزمون جامع (تألیفی و نهایی) برای شما قرار داده‌ایم تا پس از مطالعهٔ کامل دروس، خود را محک بزنید. در پاسخ همانند امتحان نهایی بارم هر قسمت مشخص شده است تا بتوانید نمرهٔ خود را به صورت دقیق محاسبه کنید.

امتحان نهایی: **فارسی ۲**	رشته: همهٔ رشته‌ها	تألیفی	مدت امتحان: **۹۰ دقیقه**

ردیف	سؤالات	نمره
	قلمرو زبانی (۷ نمره)	
۱	**معنی واژه‌های مشخّص‌شده را بنویسید.** **الف)** برو اگر به طوع و رغبت نیامد به اکراه و به اجبار برگیر و بیاور. **ب)** ناگاه صیّادی بدحال خشن‌جامه جالی بر گردن و عصایی در دست روی بدان درخت نهاد.	۰/۵
۲	**برای هر کدام از واژه‌های «ترس» و «نفی کردن» یک واژهٔ مترادف در ابیات زیر بیابید (یک بیت اضافی است).** **الف)** هلا منکر جان و جانان من / بزن زخم انکار بر جان من **ب)** گو یارب از این گزاف‌کاری / توفیق دهم به رستگاری **ج)** فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ	۰/۵
۳	**در هر یک از موارد زیر یک «غلط املایی» وجود دارد، آن را بیابید و درست آن را بنویسید.** **الف)** بونصر را بگوی هزار مثقال زر است که پدر ما از غزو هندوستان آورده‌است و هلال‌تر مال‌هاست. **ب)** چو غلتید در خاک آن ژنده‌فیل / بزد بوسه بر دست او جبرعیل	۰/۵
۴	**شکل درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.** **الف)** بسیار دعا کرد و گفت: این (سلت / صلت) فخر است، پذیرفتم و باز دادم. **ب)** سر از پا نمی‌شناختم، (مسحور / مسهور) کار خود بودم و ابداً توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم.	۰/۵
۵	**در گروه کلمات زیر موارد نادرست املایی را مشخّص کنید و درست آن را بنویسید.** **حشم و مطربان - سور و شادی - بزرگ و صعب - تب و صرصام - دها و زیرکی - مهملی و ولنگاری - موهبت الهی - تلمذ و شاگردی - صنم و بت - مصامحه و سهل‌انگاری - غضنفر و هژبر - خوالیگر و آشپز - فرعونیان و قبطیان - الحاح و اصرار**	۰/۵
۶	**در هر کدام از موارد زیر کلمه‌ای را پیدا کنید که در زبان فارسی دارای «هم‌آوا» باشد. (یکی از موارد فاقد هم‌آوا است).** **الف)** جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش / آنک امام ما علم بگرفته بر دوش **ب)** شبی را تا شبی با لشکری خرد / ز تن‌ها سر ز سرها خود افکند **ج)** ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آنکه در دستش کلید شهر پر آیینه دارد	۰/۵
۷	**در بیت زیر جملهٔ هسته (پایه) و وابسته (پیرو) را مشخّص کنید.** **چون موسم حج رسید برخاست / اشتر طلبید و محمل آراست**	۰/۵
۸	**در ابیات زیر بررسی کنید، فعل مشخص‌شده اسنادی است یا غیر اسنادی؟** **الف)** ببین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست **ب)** سوی لشکر آفریدون شدند / ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند	۰/۵
۹	**جملهٔ زیر را مجهول کنید.** **«بعد از بیست و دو سال ذهن من هنوز این مسئله را نگشوده است.»**	۰/۵
۱۰	**در تمام ابیات زیر، نقش کلمات مشخّص‌شده در کمانک روبه‌روی آن درست آمده است، به‌جز:** **الف)** چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان‌گیر (نهاد - متمم) **ب)** از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند / سفر بر مدار خطر کرده‌اند (قید - مضاف‌الیه) **ج)** شبی آمد که می‌باید فدا کرد / به راه مملکت فرزند و زن را (قید - مفعول) **د)** بگیر ای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر (منادا - صفت)	۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۱۱	**در هر کدام از ابیات زیر یک «وابستهٔ پیشین» مشخّص کنید و نوع آن را بنویسید.** **الف)** چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ / به سر کوفت شیطان دو دست دریغ **ب)** هر روز خنیده‌نام‌تر گشت / در شیفتگی تمام‌تر گشت	۰/۵
۱۲	**بیت زیر را از شیوهٔ بلاغی به شیوهٔ عادی برگردانید.** **می‌داشت پدر به سوی او گوش / کاین قصّه شنید گشت خاموش**	۰/۵
۱۳	**در بیت زیر کدام «واو» متفاوت است؟** **زره لخت لخت و قبا چاک چاک / سر و روی مردان پر از گرد و خاک** (الف) (ب) (ج)	۰/۲۵
۱۴	**در کدام عبارت «حذف شناسهٔ فعل» دیده می‌شود؟** **الف)** صیّاد گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را در ضبط آرد. کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید. **ب)** زاغ با خود اندیشید که بر اثر ایشان بروم و معلوم گردانم فرجام کار ایشان چه باشد که من از مثل این واقعه ایمن نتوانم بود. و از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.	۰/۲۵
۱۵	**در عبارات زیر «نوع صفت بیانی» مشخص‌شده را بنویسید.** **الف)** بنابراین خاله‌ام با همهٔ تمکّنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود. **ب)** حالا وقتی مدرسه تعطیل شد، بیا شاه‌چراغ دم دکون میرزا سلیمون عینک‌ساز.	۰/۵
	قلمرو ادبی (۵ نمره)	
۱۶	**در ابیات زیر آرایهٔ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.** **الف)** پرید از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ (حس‌آمیزی - تشخیص) **ب)** به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته (مجاز - استعاره)	۰/۵
۱۷	**در کدام یک از بیت‌های زیر آرایهٔ «حسن تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید.** **الف)** ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش **ب)** جانان من اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را	۰/۵
۱۸	**هریک از ابیات گروه (الف) با کدام آرایهٔ گروه (ب) ارتباط دارد؟ (در گروه (ب) یک مورد اضافه است)** **الف** **الف)** اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد **ب)** از این سدّ روان در دیدهٔ شاه / زهر موجی هزاران نیش می‌رفت **ج)** نهادند آوردگاهی چنان / که کم دیده باشد زمین و زمان **د)** درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جانش داغی **ب** ☐ تناقض ☐ ایهام ☐ مجاز ☐ تضاد ☐ حسن تعلیل	۱
۱۹	**در کدام بیت آرایهٔ «اغراق» دیده نمی‌شود؟** **الف)** ز بس گرد از آن رزمگه بردمید / تن هر دو شد از نظر ناپدید **ب)** غضنفر بزد تیغ بر گردنش / درآورد از پای بی‌سر تنش **ج)** چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت **د)** دم تیغ بر گردنش چون رسید / سر عمرو صد گام از تن پرید	۰/۲۵
۲۰	**در عبارات زیر غیر از «کنایه» و «مراعات نظیر» چه آرایهٔ ادبی مشترکی دیده می‌شود؟** **الف)** نخستین‌بار از زبان خاله و گاهی هم مادرم بود که بعضی از قصه‌های بسیار اصیل ایرانی را شنیدم و به عالم افسانه‌ها ـ که آن همه پررنگ و نگار و آن همه پرّان و نرم است ـ راه پیدا کردم. **ب)** همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید؛ طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد.	۰/۵

۳۳ الف) عزّت و ذلّت به دست خداست. ب) عنایت خدا متناسب با نیاز هر موجود است. ج) آفرینش بی‌نقص خداوند هـ) ناتوانی عقل در شناخت خدا. بیت (د) اضافه است.

۳۴ گزینهٔ (۳) - در بیت اول گزینهٔ (۳) سخن از «ناپایداری عزت و قدرت دنیا» است ولی در بیت دوم مفهوم اصلی این است که «لطف خدا هر ذلیلی را عزیز می‌کند.» **مفهوم مشترک ابیات سایر گزینه‌ها:** گزینهٔ (۱): عزّت و ذلّت به دست خداست. گزینهٔ (۲): خدا به هرکس مطابق نیازش بخشیده است. گزینهٔ (۴): ناتوانی عقل در شناخت خدا.

درس یکم

۳۵ الف) **شوریده‌رنگ:** آشفته‌حال ب) **جیب:** گریبان، یقه ج) **دغل:** ناراست، حیله‌گر

۳۶ الف) چنگ ب) شغال

۳۷ الف) ـــــ ب) **زنخدان** = چانه ج) **قوت** = خوراک

۳۸ الف) غیب ≠ آشکار ب) نگون‌بخت ≠ سعادتمند

۳۹ الف) دون‌همت ب) غیب

۴۰ **محراب** = جای ایستادن در نماز | **حمیّت** = جوانمردی | **شل** = دست و پای از کار افتاده

۴۱ الف) سنع ⟵ صنع ب) مهراب ⟵ محراب ج) آر ⟵ عار

۴۲ الف) قرضی ب) حمیّت

۴۳ (ب) «ذنخدان» نادرست است و درست آن «زنخدان» است.

۴۴ (ب) «عار» دارای هم‌آوا است. «آر» فعل امر از مصدر آوردن است.

۴۵ الف) یکی (نهاد) روبهی (مفعول) را دید. ب) شیر (نهاد) شغال (مفعول) را خورد، آنچه (نهاد) بماند ...

۴۶ الف) بیگانه تیمارش (مفعول) را نخورد، چو چنگ (متمم) رگ و استخوان و پوست برایش ماند. ب) آن سر کرم ورزد که مغزی (نهاد) در او است (= وجود دارد)، که دون‌همتان پوست و بی‌مغز (مسند) هستند.

۴۷ برای پیدا کردن جملات مرکب باید حرف ربط وابسته‌ساز را پیدا کنیم، جمله‌ای که بعد از آن حرف آمده است، جملهٔ وابسته است و جمله‌ای که معنی جملهٔ وابسته را کامل می‌کند و با آن آمده‌است، جملهٔ هسته است.

الف) **جملهٔ مرکب:** در این بود درویش شوریده‌رنگ (جملهٔ هسته) **که** (حرف ربط) شیری برآمد شغالی به چنگ (جملهٔ وابسته) ب) **جملهٔ مرکب: چو** (حرف ربط) صبرش نماند از ضعیفی و هوش (جملهٔ وابسته) ز دیوار محرابش آمد به گوش (جملهٔ هسته)

۴۸ الف) چنان سعی کن (جملهٔ هسته) **که** (حرف ربط) از تو ماند چو شیر (جملهٔ وابسته) چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (جملهٔ ساده) ب) فخری **که** از وسیلت دون‌همتی رسد (جملهٔ وابسته) **گر** نام و ننگ داری (جملهٔ وابسته) از آن فخر عار دار (جملهٔ هسته)

نکته جملهٔ ساده، جمله‌ای است که بر خلاف جملهٔ مرکب فقط یک فعل دارد و با یک فعل معنی کاملی می‌دهد، مثلا «برف می‌آید» یک جملهٔ ساده است. در مقابل، جملهٔ مرکب بیش از یک فعل دارد و از دو یا چند جمله ساخته شده‌است: وقتی برف می‌آید (جملهٔ وابسته) چتر با خودت بردار (جملهٔ هسته).

۴۹ الف) «که»: پیوند وابسته‌ساز ب) «و»: پیوند هم‌پایه‌ساز

۵۰ «که»: پیوند وابسته‌ساز (واو در مصراع اول حرف عطف است)

۵۱ الف) نادرست: «چو» حرف اضافه است و به معنی «مثل» آمده‌است. ب) درست: «بیگانه» و «رگ» هر دو نقش نهادی دارند. | ج) درست: نوع «و» در مصراع دوم هر دو عطف است.

۵۲ الف) «ش» در مصراع دوم مضاف‌الیه است: روزی‌رسان قوت روزِ او را بداد. ب) «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه «تیمار» است: بیگانه تیمارِ او را نخورد. | «ش» در مصراع دوم متمم است: چو چنگ برای او رگ و استخوان ماند.

۵۳ الف) «ش» در مصراع اول ضمیر پیوسته است و نقش متمم دارد: چو صبر برای او نماند. | در مصراع دوم «ش» در «محرابش» ضمیر پیوسته است و نقش مضاف‌الیه دارد ولی نه مضاف‌الیه «محراب» بلکه مضاف‌الیه «گوش» است: ز دیوار محراب به گوشِ او آمد. ب) «ت» در این بیت ضمیر پیوسته است و نقش مضاف‌الیه دارد: که سعیِ تو در ترازوی خویش بود.

۵۴ در بیت (الف) در جملهٔ «ای دغل» فعل به قرینهٔ معنایی حذف شده‌است.

۵۵ الف) «چنگ» به معنی «دست» است و ما با توجه به معنی جمله و قرارگرفتن واژهٔ چنگ در جمله به معنی آن پی‌بردیم. ب) منظور از «شیر» حیوان درنده است نه معانی دیگر آن، رابطهٔ تناسب واژهٔ «شیر» با «شغال» و «روباه» ما را به این معنی هدایت کرد.

۵۶ الف) تناسب ب) تضمن ج) تضاد د) ترادف

۵۷ در گزینهٔ (۴) «قوت» و «خوراک» مترادف هستند ولی در سایر گزینه‌ها رابطهٔ «تناسب» بین واژه‌ها برقرار است. دقت کنید که «چنگ» در گزینهٔ (۲) نام «نوعی ساز» و در گزینهٔ (۳) «دست» است.

۵۸ الف) **تضاد:** بیگانه و دوست ب) **تضمن:** درخت و ارغوان

۵۹ الف) تناسب وجود دارد: دست و پا (سر با این دو واژه تناسب ندارد). ب) تضمن ندارد.

۶۰ الف) «باشی» اسنادی است و «سیر» مسند است: چه (= چرا) (قید) [تو] (نهاد) چو روباه (متمم) از وامانده (متمم) سیر (مسند) باشی (فعل اسنادی) ب) «است» اسنادی است و «روز حاجت» مسند است.

۶۱ الف) «است» در مصراع اول غیر اسنادی و در مصراع دوم اسنادی است: بخشایش خدا (نهاد) بر آن بنده (متمم) است که خلق (نهاد) از وجودش (متمم) در آسایش (مسند) است. ب) «است» در مصراع اول به معنی «وجود دارد» است و غیر اسنادی است. | در مصراع دوم «ند» همان فعل «هستند» است و اسنادی است و «بی‌مغز» و «پوست» مسند هستند: دون‌همّتان بی‌مغز و [فقط] پوست هستند.

۶۲ الف) «نگشت» اسنادی است و «ضایع» مسند است. «شد» در مصراع دوم اسنادی است و مسند آن «گوهر یکدانه» است. ب) «است» در مصراع اول اسنادی است و «بارگه پادشاه» مسند آن است. «شد» در مصراع دوم به معنی «رفت» است و «غیر اسنادی» است.

۶۳ الف) **تضاد:** مور و پیل ب) **جناس:** دوست و پوست

۶۴ الف) **مجاز:** «بازو» مجاز از «قدرت و نیرو» است. ب) **کنایه:** «زنخدان به جیب بردن» کنایه از «گوشه‌نشینی» است.

۶۵ الف) **جناس:** ندارد. ب) **ایهام تناسب:** «چنگ» به معنی «دست» قابل قبول نیست و در این معنی با رگ و پوست و استخوان تناسب دارد.

۶۶ «سر» در این بیت در معنی حقیقی خود به کار نرفته است و مجاز از انسان است، «مغز» نیز مجاز از «فکر و اندیشه» است.

۶۷ الف) [درویش] (مشبه) چو (ادات تشبیه) چنگ (مشبه‌به) رگ و استخوان و پوست برایش ماند (وجه شبه) ب) من (مشبه) چو (ادات تشبیه) مور (مشبه‌به) به کنجی نشینم (وجه شبه)

۶۸ «بازو» در معنی حقیقی خود به کار نرفته و به معنی «توان» و «قدرت» و «عمل» است پس آرایهٔ مجاز ساخته است.

۶۹ آرایهٔ «تضاد» در دو بیت مشترک است. در بیت (الف) بین «جوان» و «پیر» و در بیت (ب) بین «شیر» و «روباه».

۷۰ **جناس** مشترک است: الف) روز و روزی ب) شیر و سیر

۷۱ بیت (الف) به آیهٔ (لَیْسَ لِلاِنسانِ اِلّا ما سَعی) (برای انسان جز حاصل تلاش او نیست) اشاره دارد.

۷۲ در این بیت «دو سرا» استعاره از «این دنیا و دنیای آخرت» است.

۷۳ الف) هوش و گوش: جناس ناقص ب) چنگ (ساز) چنگ (دست): جناس همسان

۷۴ اوست و پوست: جناس ناقص

۷۵ الف) **مجاز:** «سر» مجاز از انسان و «مغز» مجاز از فکر و اندیشه. ب) جناس: هوش و گوش

۷۶ **بوستان:** سعدی | **بهارستان:** جامی

۷۷ الف) نادرست: «بهارستان» منثور است. ب) نادرست: «بوستان» و «بهارستان» هر دو تعلیمی هستند.

۷۸ الف) یقین، چشمان مرد را بینا کرد و مرد به آگاهی و یقین رسید، پس به گوشه‌ای رفت و به روزی‌رسانی خدا تکیه کرد. ب) وقتی از شدت ضعف برای او صبر و هوشی باقی نمانده بود، از دیوار محراب صدایی به گوشش رسید ...

۷۹ الف) تا می‌توانی روزی خود را از دست‌رنج و تلاش خودت به دست بیاور، زیرا که نتیجهٔ سعی و تلاش هرکس به او خواهد رسید (کسی جز حاصل تلاش خود را به دست نمی‌آورد). ب) انسان عاقل و خردمند به دیگران بخشندگی و لطف می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست و فرومایه، بی‌عقل و خرد هستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

۸۰ الف) تکیه‌کردن بر روزی‌رسانی خداوند ب) خوداتکایی (تکیه کردن به زور بازوی خود)

۸۱ الف) خدا کسی را مورد رحمت قرار می‌دهد که به مردم خیر می‌رساند. ب) پندناپذیری عاشق

۸۲ بیت (ب): در بیت (الف) هم به این نکته تأکید شده‌است که هرکس باید فقط به خودش تکیه کند، اما سخنی از این نیست که حرکت و تلاش لازمهٔ عنایت خدا باشد. در بیت (ب) می‌گوید: درست است که روزی می‌رسد و خدا روزی‌رسان است، اما قبلش باید تلاش کنی و این یعنی از تو حرکت، از خدا برکت.

۸۳ بیت (الف) و بیت (هـ): در بیت (الف) مفهوم اصلی این است که «کسب روزی نیاز به تلاش ندارد» و مفهوم بیت (هـ) این است که «روزی بدون تلاش به دست نمی‌آید» و این دو مفهوم با هم تقابل دارند.

۸۴ بیت (د): کسی نیکی می‌بیند که نیکی کند، این یعنی «نتیجهٔ عمل هرکس به خودش برمی‌گردد.»

۸۵ بیت (ج): در این بیت سعدی معتقد است، انسان خردمند کریم است و انسان دون‌همّت و بخیل، عقل و خرد ندارد.

۸۶ «مور» نماد گوشه‌نشینی و ضعف است و کسی که تلاش را ترک کرده‌است.

۸۷ روزی به زور بازو ارتباط ندارد.

۸۸ با توجه به بیت (ب) کسی که به مردم خیر برساند مورد بخشایش خدا واقع می‌شود.

۸۹ (ب) در این بیت شاعر می‌گوید: وسیلهٔ سنجش دوست واقعی، روز نیازمندی است و در زمان گرفتاری می‌شود دوست را شناخت، برای همین برای امتحان دوستانت از آن‌ها قرضی بخواه تا ببینی کدام یک دوست واقعی هستند.

۹۰ بیت (ب)

۹۱ **دغل:** ناراست، حیله‌گر | **قوت:** رزق روزانه، خوراک، غذا | **جیب:** گریبان، یقه | **حمیّت:** غیرت، جوانمردی، مردانگی (۵ واژه مترادف ندارند) **واژه‌هایی که هم‌معنی نداشتند:** باغیرت، ناجوانمرد، توانایی، نوعی جامه، اراده.

۹۲ الف) **آشفته‌حال** = شوریده‌رنگ ب) **غیب** = پنهان ج) **زنخدان** = چانه د) ـــــ

۹۳ گزینهٔ (۲) - «خورد» در زبان فارسی دارای هم‌آوا است و «خرد» به معنی «کوچک» هم‌آوای آن است. در گزینهٔ (۴) «قَرض» هم‌آوا ندارد و «غَرَض» تلفظ متفاوتی دارد.

۹۴ الف) چو (حرف ربط وابسته‌ساز) از ضعیفی صبر و هوش برای او نماند (جملهٔ وابسته) ز دیوار محراب به گوشش آمد (جملهٔ هسته) ب) هرچند [که] رزق بی‌گمان برسد (جملهٔ وابسته) جستن از درها شرط عقل است (جملهٔ هسته): در این بیت حرف ربط حذف شده‌است. ج) کسی به هر دو سرای نیک بیند (جملهٔ هسته) که (حرف ربط) به خلق خدای نیکی رساند (جملهٔ وابسته)

۹۵ الف) دو جملهٔ وابسته: از آن فخر عار دار (جملهٔ هسته) که از وسیلت دون‌همتی رسد (جملهٔ وابستهٔ ۱) اگر نام و ننگ داری (جملهٔ وابستهٔ ۲) ب) یک جملهٔ وابسته: چنان سعی کن (جملهٔ هسته) کز تو ماند چو شیر (جملهٔ وابسته) چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (جملهٔ ساده)

۹۶ در بیت (الف) «و» پیوند هم‌پایه‌ساز است و دو جمله را به هم ربط داده‌است. در بیت (ب) «و» حرف عطف است و در بیت (ج) میان‌وند است و داخل یک کلمه آمده است.

۹۷ **موارد نادرست:** در بیت (ب) معنی غیر قابل قبول واژهٔ «چنگ» با رگ، استخوان و پوست تناسب دارد و معنی مورد نظر آن یعنی ساز چنگ با کلمه‌ای تناسب ندارد و ما از طریق قرار گرفتن این واژه در جمله به معنی صحیح پی می‌بریم. در موارد (الف) و (ج) با توجه به معنی جمله به معنی مورد نظر واژه‌های «سیر» و «باز» می‌رسیم.

۹۸ گزینهٔ (۲) - در میان کلمات گزینهٔ (۲) رابطهٔ ترادف وجود دارد در حالی‌که در سایر گزینه‌ها بین واژه‌ها رابطهٔ تضمن برقرار است.

۹۹ الف) **تضمن:** درخت و تاک ب) **تضاد:** عزیز و خوار ج) **ترادف:** جیب و گریبان د) **تناسب:** هفته و سال (ماه در این بیت به معنی ماه آسمان و معشوق است و ایهام تناسب دارد).

۱۰۰ الف) فقط «باشی» اسنادی است و «سیر» مسند. ب) «است» در مصراع اول غیر اسنادی است و فقط مصراع دوم اسنادی است. ج) «است» در مصراع اول غیر اسنادی است و «ند» (= هستند) اسنادی است.

۱۰۱ گزینهٔ (۲) - **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینهٔ (۱): «باشد» اسنادی است و «بیش» و «کم» مسند هستند. گزینهٔ (۳): «باش» فعل اسنادی است و «شیر درنده» مسند. گزینهٔ (۴): «است» اسنادی است و «روز حاجت» مسند.

۱۰۲ در بیت (الف) فعل «بود» غیراسنادی است و «سعیت» نهاد است و مسند نداریم. در بیت (ب) در مصراع اول فعل «است» غیراسنادی است و در مصراع دوم «اسنادی» است و «در آسایش» مسند است.

۱۰۳ گزینهٔ (۳) - در گزینهٔ (۳) حذف فعل وجود ندارد. در گزینهٔ (۱) فعل «خوردش» در آخر مصراع اول به قرینهٔ لفظی حذف شده است. «ای جوان» در گزینهٔ (۲) حذف فعل به قرینهٔ معنایی دارند. در گزینهٔ (۴) فعل «می‌گویم» بعد از شکر به قرینهٔ معنایی حذف شده است: شکر [می‌گویم] که گریهٔ شام و سحر ضایع نگشت.